

Research Paper

Discourse Analysis of the Foreign Policy of the 13th Government



*Reza Soleimani¹

1. Associate Professor in International Relations, Department of Political Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali University, Hamedan, Iran.



Citation Soleimani R. (2022). [Discourse Analysis of the Foreign Policy of the 13th Government (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 12(Special Issue), 10-39. <https://dx.doi.org/10.22034/SSPP.2022.699876>

<https://dx.doi.org/10.22034/SSPP.2022.699876>



Received: 06 Jul 2022

Accepted: 11 Sep 2022

Available Online: 22 Nov 2022

Keywords:

Discourse System,
Neutralizing Sanctions,
Balancing Foreign
Relations, Looking to
the East, Neighborhood
Policy

ABSTRACT

The coming and going of different governments that emerged after the Islamic revolution shows the reality of changes in foreign policy while maintaining some fixed principles. The coming of the 13th government also carries some new elements or at least new narratives of the aforementioned principles. Based on this, the foreign policy of the 13th government, as a discourse, carries and contains certain elements that distinguish it from the discourses before and after it. The purpose of this article is to examine the most important elements and minutes of the foreign policy of Ebrahim Raisi's government in the framework of the discourse analysis method. The question of the article is how to conceptualize the foreign policy of the 13th government in the form of the discourse system of Ernesto Laclau and Chantal Mouffe? In this regard, "pragmatic revolutionism" or in other words "Justice-oriented multilateralism", is considered as the focal point (central sign) of the foreign policy discourse of the mentioned government, which is related to its peripheral elements such as: the strategy of neutralizing sanctions and intelligent balancing of foreign economic and political relations through two mechanisms involving the look-to-the-east strategy and the neighborhood policy; the resistance strategy, the establishment of a just international system based on multilateralism, the anti-sanctions strategy through the two mechanisms of simulcasting the neutralization of sanctions (as a strategy) and politics Lifting the embargo (as a tactic) and finally loosening the link between livelihood and national economy gives meaning and meaning to these peripheral elements.

* Corresponding Author:

Reza Soleimani, PhD.

Address: Department of Political Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali University, Hamedan, Iran.

E-mail: r.soleimani@basu.ac.ir

مقاله پژوهشی تحلیل گفتمانی سیاست خارجی دولت سیزدهم

* رضا سلیمانی^۱

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

چیکید

آمدن دولت‌های مختلف ظهور یافته پس از انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده واقعی بودن تغییرات در سیاست خارجی در عین حفظ برخی اصول ثابت است. روی کار آمدن دولت سیزدهم نیز حامل برخی عناصر جدید یا دست‌کم روایت‌های جدید از اصول مزبور است. براین اساس، سیاست خارجی دولت سیزدهم به مثابه یک گفتمان، حامل و حاوی عناصر خاصی است که آن را از گفتمان‌های قبل و بعد از خود متمایز می‌کند. هدف از این مقاله، بررسی مهم‌ترین عناصر و دقایق سیاست خارجی دولت رئیسی در چارچوب روش تحلیل گفتمانی است. پرسش مقاله آن است که چگونه می‌توان سیاست خارجی دولت سیزدهم را در قالب منظومه گفتمانی ارزستو لاکلاو و شانتال موف، مفهوم‌سازی کرد؟ در این راستا، «نقلابی‌گرایی عمل‌گرا» یا به تعبیر دیگر «چندجانبه‌گرایی عدالت‌محور» به مثابه نقطه کانونی (دال مرکزی) گفتمان سیاست خارجی دولت مزبور در نظر گرفته می‌شود که به عناصر پیرامونی خود، مانند راهبرد خنثی‌سازی تحریم و متوازن‌سازی هوشمند روابط خارجی اقتصادی و سیاسی از طریق ۲ سازوکار راهبردی «نگاه به شرق» و «سیاست همسایگی» و همچنین راهبرد مقاومت، پی‌ریزی نظام بین‌الملل عادلانه مبتنی بر چندجانبه‌گرایی، راهبرد ضدتحریم از طریق ۲ سازوکار پیگیری هم‌زمان خنثی‌سازی تحریم (به مثابه راهبرد) و سیاست رفع تحریم (به مثابه تاکتیک) و نهایتاً سست کردن پیوند میان معیشت و اقتصاد ملی، معنا و مفهوم می‌بخشد.

تاریخ دریافت: ۱۵ تیر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۱

تاریخ انتشار: ۰۱ آذر ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها:

منظومه گفتمانی،
خنثی‌سازی تحریم،
متوازن‌سازی روابط
خارجی، نگاه به شرق،
سیاست همسایگی

* نویسنده مسئول:

دکتر رضا سلیمانی

نشانی: همدان، دانشگاه بوعلی سینا، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، گروه علوم سیاسی، دانشیار روابط بین‌الملل.

رایانامه: rsoleimani@basu.ac.ir

مقدمه

این مقاله بر آن است تا سیاست خارجی دولت رئیسی را به مثابه یک گفتمان در نظر بگیرد و از این رهگذر ویژگی‌های خاص و تمایزبخش آن را بررسی کند. در این راستا، رمزگشایی از سخنان و موضع‌گیری‌های رسمی ابراهیم رئیسی، به‌عنوان رئیس دولت سیزدهم و وزیر خارجه اول به‌عنوان اصلی‌ترین کارگزار و شارح سیاست خارجی در دستورکار قرار خواهد گرفت و تلاش خواهد شد تا این اظهارنظرهای مختلف را در یک قالب گفتمانی معنا بخشد.

۱. پیشینه پژوهش

با توجه آنکه صرفاً یک سال از حیات سیاسی دولت سیزدهم می‌گذرد، کتب و مقالات قابل‌اعتنایی درباره سیاست خارجی آن به نگارش درنیامده است. عمده آثار تولیدشده در این خصوص به گزارش‌ها و ارائه تحلیل‌های رسانه‌ای محدود مانده است و از این حیث دچار نوعی فقر در خصوص ادبیات و پیشینه تحقیقات دانشگاهی در تحلیل سیاست خارجی دولت ابراهیم رئیسی هستیم. تنها اثر آکادمیک چاپ‌شده، مقاله علیرضا رضایی (رضایی، ۱۴۰۰: ۲۳-۴۵) است که کوشیده سیاست خارجی دولت سیزدهم را در بستر واقعیات ساختاری نظام بین‌الملل، به‌ویژه هژمونی ایالات متحده، تجزیه و تحلیل کند.

در این راستا، میان «نظم عدالت‌محور» در سیاست خارجی دولت رئیسی و راهبری «موازنه نرم» نوعی هم‌افزایی در نظر گرفته و معتقد است این راهبرد می‌تواند بدون درگیری مستقیم با قدرت هژمون، هزینه‌های سیاسی آن را بالا ببرد و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تأمین کند. آثار دیگر تولیدشده در خصوص سیاست خارجی دولت رئیسی نیز عمدتاً با رویکرد تحلیل سیاست نگاه به شرق،

سیاست خارجی هر کدام از دولت‌های ظهوریافته پس از انقلاب اسلامی ایران در عین برخورداری از برخی اشتراکات در چارچوب اصول سیاست خارجی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برخی تمایزات گفتمانی نیز داشته که به هویت ویژه آن گفتمان بدل شده است. به دیگر سخن، هر گفتمانی از وضعیت خاص از جهت نقطه کانونی معنا بخش، عناصر تشکیل‌دهنده و جهت‌گیری و مسیریابی خود در تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی برخوردار است که آن را از گفتمان‌های قبل و بعد خود متمایز می‌کند.

با این توضیح، سیاست خارجی دولت حجت‌الاسلام رئیسی نیز به‌عنوان سیزدهمین دولت ظهوریافته پس از انقلاب اسلامی وضعیت خاص گفتمانی دارد که در عین مشترکات زبانی با سیاست خارجی دولت‌های اول تا دوازدهم، از برخی جهات با آن‌ها متفاوت است. با این مقدمه، فهم این تفاوت‌ها، مستلزم شناخت مختصات منظومه گفتمانی دولت سیزدهم است. مختصاتی که یک نقشه گفتمانی منحصر به فرد خود دارد. این نقشه گفتمانی، از یک دال مرکزی به مثابه نقطه کانونی سرچشمه می‌گیرد که به کلیت آن معنا و هویت می‌بخشد. دال مرکزی مزبور در یک همبستگی معنایی با نشانه‌ها و عناصر دیگر در این گفتمان قرار می‌گیرد و نوعی منظومه خاص را تداعی می‌کند.

به دیگر سخن، از حیث سلسله‌مراتبی، نقطه مرکزی و کانونی گفتمان سیاست خارجی دولت رئیسی همانند هر گفتمان دیگری به دال‌های پیرامونی خود (شامل دقایق و لحظات) معنا می‌بخشد و آن را هدایت و راهبری می‌کند.

می‌نویسند: «تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است. در این صورت، نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به‌وجود آمده‌اند.» (براون و یول، ۱۹۹۳: ۱).

دبورا شیفرین و میشل استابز نیز با تکیه بر گستره فرایم‌های تحلیل گفتمان آن را چنین تعریف می‌کنند: «تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش فرایم‌های عناصر زمانی را مطالعه کند؛ بنابراین واحدهای زبانی نظیر تبادلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را بررسی می‌کند. بر این اساس، نسخه‌کاو یا همان تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی، به‌ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سروکار دارد.» (استابز، ۱۹۸۳: ۸۳).

به این ترتیب، هر چند تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متولد شد، اما در آن متوقف نماند و در مدت نسبتاً کوتاهی (نزدیک به ۲ دهه)، این گرایش از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، به کوشش متفکرانی مانند ارنستو لاکلاو، شانتال موف، میشل فوکو، ژاک دریدا، ژان بودریار، رولان بارت و دیگر متفکران غربی وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت. این متفکران که تحلیل گفتمان را در قالب تحلیل گفتمان انتقادی بسط و گسترش دادند، خود وام‌دار مکتب انتقادی فرانکفورت و وارثان مستقیم و غیرمستقیم آن در دهه ۱۹۶۰ (مارکسیست‌های جدید، به‌ویژه آنتونیو گرامشی و پیراوانش و نیز ساختارگرایانی چون لویی آلتوسر و محققان مکتب فمینیسم) بودند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸).

جایگاه چین و روسیه و جایگاه همسایگان در سیاست خارجی دولت سیزدهم مطرح شده و نمی‌تواند میان این اجزای پراکنده نوعی ارتباط سیستمی در قالب تحلیل منظومه‌ای گفتمان برقرار کند.

بر این اساس، تفاوت مقاله پیش‌رو با تحلیل‌های پیشین ارائه‌شده در خصوص سیاست خارجی دولت رئیسی آن است که می‌کوشد با اتخاذ رویکرد منظومه‌ای در تحلیل گفتمان، میان اجزای مزبور نوعی ارتباط معنایی برقرار کند و آن‌ها را اجزای یک کل به‌هم‌پیوسته در نظر بگیرد. این رویکرد می‌تواند نوعی وحدت معنایی در عین کثرت در عناصر و مؤلفه‌ها را ذیل و ظل یک گفتمان واحد نشان دهد و از این حیث از سردرگمی در معنابخشی به این پراکندگی جلوگیری کند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

مفهوم کلیدی قابل‌طرح در مقاله پیش‌رو، «گفتمان»^۱ و مفاهیم پیرامون مرتبط با آن است. همین‌طور نظریه «تحلیل گفتمان انتقادی»^۲ لاکلاو و موف در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی ملاک بررسی خواهد بود. در این راستا، مشخصاً از رویکرد «منظومه گفتمانی» این ۲ نظریه‌پرداز استفاده خواهد شد.

۱.۲. تعریف گفتمان و تحلیل گفتمان

ابهام در حدود و ثغور معنایی گفتمان و تحلیل گفتمان موجب شد تا تعاریف مختلف و متنوعی از آن ارائه شود که خود بر پیچیدگی تعریف آن افزوده است. جرج یول و گیلیان براون در تعریف تحلیل گفتمان در کتاب تحلیل گفتمان انتقادی

1. Discourse
2. Critical Discourse Analysis

عملی که موجب برقراری رابطه میان عناصر شود، مفصل‌بندی نام دارد. اساساً آنچه که به‌عنوان گفتمان شناخته می‌شود، حاصل عمل مفصل‌بندی است (لاکلاو و موف، ۲۰۰۱: ۱۱۲).

گفتمان از این لحاظ، یک منظومه معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار (نظم معنایی خاص) می‌آفرینند و همان‌گونه که در اندیشه سوسور پیوند دال و معنا اختیاری و حاصل توافق و قرارداد است (یعنی هیچ ارتباط ذاتی بین دال / مفهوم و مدلول / مصداق وجود ندارد)، در اینجا هم مفاهیم دال‌های شناور^۵ هستند که گفتمان‌های گوناگون می‌کوشند طی یک فرایند رقابت یا نزاع سیاسی با غیر خود به آن‌ها معنا دهند و با پیروزی در این فرایند، به جایگاهی هژمونیک دست یازند. این رقابت یا نزاع معنایی در مجموعه‌ای گسترده از داده‌های زبانی (گفتارها، گزارش‌ها، گفت‌وگوها و اعلامیه‌ها) و داده‌های غیرزبانی (حادثه‌های تاریخ، سیاست‌گذاری‌ها، اندیشه‌ها، سازمان‌ها و نهادها)، که با همه آن‌ها به مثابه متن برخورد می‌شود (هوارث، ۲۰۰۰: ۴)، تبلور و ظهور می‌یابد.

۳.۲. نشانه مرکزی یا نقطه کانونی^۶

ارنستو لاکلاو این مفهوم را از ژاک لاکان وام گرفته است. لاکان تعبیری تحت عنوان «نقطه آجیدن»^۷ را به‌منظور توصیف نقطه گره‌ای و کانونی متصل‌کننده قطعات یک گفتمان به کار برده است. به‌این ترتیب، نقطه کانونی یا نشانه مرکزی از منظر لاکلاو نشانه‌ای کلیدی است که سایر نشانه‌ها در یک منظومه گفتمانی، بر گرد آن تجمیع یافته و سامان می‌یابند.

به‌طور خلاصه، گفتمان، اصطلاحی است که مواجهه با کثرت معانی است، اما متناسب با کارکرد این نوشتار، آن را «منظومه‌ای از معانی که در آن نشانه‌ها هویت و معنا می‌یابند و فهم از واقعیت و جهان پیرامون را شکل می‌دهند، تعریف می‌کنیم. با این وصف، طبقه‌بندی‌های متنوعی از نظریه تحلیل گفتمان در علوم اجتماعی وجود دارد، اما آنچه در علم سیاست و روابط بین‌الملل تأکید می‌شود، بررسی کارکرد متن و زیان در یک بستر اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی و تأکید بر کارکرد زبان در نظریه گفتمان است. در این راستا و به‌منظور کاربست نظریه گفتمان با بحث گفتمان‌شناسی سیاست خارجی با چند اصطلاح مواجه هستیم:

۲.۲. مفصل‌بندی^۳ و منظومه گفتمانی^۴

مفهوم منظومه گفتمانی برگرفته از نظریه گفتمان انتقادی لاکلاو و موف و مبتنی بر رویکرد زبان‌شناسی سوسور، گفتمان را مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل‌بندی شده و پیوند یافته به یکدیگر اطلاق می‌کند. خود مفهوم مفصل‌بندی به معنای قرار دادن پدیده‌هایی در کنار یکدیگر که به‌طور طبیعی در کنار هم قرار ندارند. براساس این مفهوم، گفتمان چیزی نیست جز مجموعه از احکام، گزاره‌ها و نشانه‌هایی که یک نظام معنایی متمایز را در مقایسه با سایر گفتمان‌ها برمی‌سازند. این نشانه‌ها یا عناصر یا احکام به نحوی منظم (که بیانگر نظم گفتمانی هستند) به یکدیگر «مفصل» می‌شوند.

براساس نظریه گفتمان لاکلاو، مفصل‌بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند. هر

5. Floating Signifiers

6. Nodal Point

7. Point De Caption

3. Articulation

4. Discursive System

درون گفتمان مفصل‌بندی می‌شود و معنا می‌یابد، و قته نام دارد. به عبارت دیگر، وقته‌ها همان عناصری هستند که قبلاً به عنوان دال‌های شناور در حاشیه گفتمان قرار داشتند (لاکلاو و موف، ۲۰۰۱: ۱۰۵).

بر اساس نظر این دو، هر دال در یک گفتمان به گونه‌ای خاص معنا می‌شود که لزوماً در گفتمان یا گفتمان‌های رقیب آن گونه معنا نمی‌شود؛ بنابراین در سایه چنین معنابخشی‌ای هر دال به یک تثبیت معنایی که البته موقت است و در رقابت با معنا در گفتمان غیر است، دست می‌یابد و از این رو واژه «دقیقه» یا «وقته» در توصیف آن به کار بسته شده است.

به عبارت ساده‌تر، یک دقیقه یا وقته، عنصری است که معنای آن به‌طور موقت تثبیت شده، اما همواره در معرض شناور شدن قرار داشته و امکان جذب و معنابخشی آن از سوی گفتمان‌های رقیب و دشمن وجود دارد.

۳. یافته‌های پژوهش

۱.۳. زمینه ظهور گفتمان سیاست خارجی دولت

رئیس‌ی

در تحلیل گفتمان همواره نوعی حرکت گشت و بازگشتی میان گفتمان/متن^{۱۰} و واقعیت/زمینه^{۱۱} وجود دارد.^{۱۲} برای نمونه، میشل فوکو در روش تحلیل گفتمان خود همواره میان متن و واقعیات زمینه‌ای ارتباط برقرار می‌کند و مانع از آن می‌شود که محقق در تار و پود ملاحظات و مناسبات صرف «متن» در یک طرف و واقعیات «زمینه‌ای» در طرف دیگر محصور و گرفتار بماند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۸).

10. Text

11. Context

۱۲. این حرکت گشت و بازگشتی میان متن و زمینه در جایی که به زمینه‌های امنیتی و سیاسی ظهور برخی گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در فصل پنجم می‌پردازیم، دیده می‌شود.

درواقع، عنصر اساسی در هر مفصل‌بندی گفتمانی، «دال مرکزی» است. دال مرکزی عبارت است از نشانگان مرکزی یک گفتمان که مانند یک میدان مغناطیسی، دیگر مفاهیم و نشانه‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، نشانه مرکزی به مثابه هسته‌ای در قلب یک گفتمان عمل می‌کند که جاذبه آن سایر نشانه‌ها را حول خود جذب می‌کند، به گونه‌ای که نشانه‌های مزبور معنای خود را در سایه پیوند با نقطه کانونی درمی‌یابند. مفهوم دال مرکزی در مقابل دال شناور قرار می‌گیرد (حقیقت، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

برای نمونه، «عدالت» و «صلح‌گرایی» ۲ نشانه مرکزی به ترتیب در ۲ گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور محمود احمدی‌نژاد و صلح‌گرایی مردم‌سالار محمد خاتمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند. کما اینکه «انقلابی‌گری عمل‌گرا»، مهم‌ترین نشانه مرکزی گفتمان سیاست خارجی دولت رئیسی به شمار می‌رود.

۴.۲. عناصر^۸

عناصر، دال‌ها یا نشانه‌هایی هستند که هر گفتمان می‌کوشد در سایه دال مرکزی خود به آن معنا دهد. به دیگر سخن، عناصر، دال‌های شناوری هستند که هنوز در درون گفتمان تثبیت معنایی نشده‌اند و تا زمانی که شناور باشند نمی‌توان جایگاه محکمی برای آن‌ها در یک منظومه گفتمانی در نظر گرفت.

۵.۲. دقیقه یا وقته^۹

مفهوم دقیقه یا وقته در رویکرد لاکلاو و موف در مقابل عنصر تعریف می‌شود. عنصری که در

8. Elements

۹. این واژه که ترجمه‌ای از واژه Moment است در برخی معادل‌های فارسی به مفهوم «لحظه» نیز ترجمه شده است.

از این رو، گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم نیز زمینه‌پرورده بوده و در متن و بطن برخی واقعیت‌های محیطی مفصل‌بندی شده است. در این راستا، به‌طور کلی ناامیدی از تعامل با غرب (ایالات متحده و تروئیکای اروپا) به‌عنوان نسخه حتمی حل مشکلات اقتصادی ایران، اصلی‌ترین زمینه ظهور و مفصل‌بندی گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم است.

به‌عبارت‌دیگر، ابهام و مخاطرات موجود برای آینده برجام و حتی پیمان عدم اشاعه (NPT)، رنج بی‌اندازه مردم ایران (نه لزوماً نخبگان) به دلیل تحریم‌های ایالات متحده و همچنین سوءمدیریت داخلی و فساد، بی‌عملی اروپایی‌ها برای جبران تحریم‌های یک‌جانبه دولت ترامپ پس از خروج از برجام و عدم توانایی اقتصادی و امنیتی تروئیکا برای استقلال از منافع راهبردی ایالات متحده، از جمله شرایط عینی زمینه‌ساز برای ظهور گفتمان دولت رئیسی به شمار می‌رود (فروغ، ۲۰۲۱ الف: ۸).

بر این اساس، می‌توان مدعی شد رفتارهای غیرمسئولانه و تحریک‌آمیز ایالات متحده و سیاست‌گذاران اروپایی را نیز می‌توان یکی از علل اصلی قدرت‌گیری خرده‌گفتمان‌های ارزش‌گرای ضدغربی ذیل چتر گفتمان مقاومت دولت رئیسی دانست.

به‌عبارت‌دیگر بدیهی است که به دلیل بدعهدی طرف‌های غربی در عمل به تعهدات برجامی خود، جریانان به اصطلاح «میان‌رو» در ایران عملاً طرحی برای پیروزی در انتخابات سیزدهم ریاست‌جمهوری نداشته باشند، چراکه ۸ سال سیاست گفت‌وگو و مذاکرات آن‌ها با غرب، خصوصاً در موضوع هسته‌ای و وعده‌های اقتصادی آن‌ها برای نجات اقتصاد ایران در چارچوب پیگیری سیاست رفع تحریم‌ها عملاً شکست

به‌عبارت‌دیگر، وی همواره متن را زمینه و زمانه‌پرورده می‌داند. معانی در هر گفتمان در تعامل و تعادل با حوزه گفتمانگی خود قرار می‌گیرند. بدین معنا که از زمینه خود تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین برخلاف ایده‌ای که نوعی گسست و انقطاع مفهومی و کاربردی را میان گفتمان و واقعیت تأکید می‌کند، در تحلیل گفتمان انتقادی علاوه بر بافت متن^{۱۳}، به عوامل برون‌زبانی، یعنی بافت موقعیت^{۱۴} فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی توجه می‌شود.

به‌طور خلاصه باید گفت که تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط هم‌زمان با عوامل درون‌زبانی (بافت متن) و عوامل برون‌زبانی (بافت اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی و غیره) بررسی می‌کند. درحقیقت، ارتباط وثیقی میان سیاست و زبان حاکم است. تحلیل گفتمانی سیاست خارجی با بررسی گفت‌وگوهای ۲ جانبه و چندجانبه، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، متن‌ها و درنهایت، عملکرد تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی حاصل می‌شود (محمدنیا، ۲۰۱۲: ۳۲).

اساساً در تحلیل گفتمانی زبان یک کنش اجتماعی است. به این معنا که بستر به‌کارگیری زبان نیز امری مهم تلقی می‌شود (ووداک، ۲۰۰۹: ۶). برای نمونه، سیاست خارجی به‌عنوان کنشی اجتماعی در بسترهای گوناگون، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد و در نتیجه کارکرد متفاوتی می‌یابد.

13. Co-Text

14. Context of Situation

از طرفی، صرف‌نظر از تجربه زیسته ناشی از تعامل با غرب در موضوع برجام و تحریم‌ها، توازن و تعادل یکی از مهم‌ترین مختصات سیاست خارجی موفق در دورانی است که نظم بین‌الملل از وضعیت دوقطبی دوران جنگ سرد و تک‌قطبی فضای پساجنگ سرد خارج شده و به سوی یک نظم چندقطبی با مناسبات چندوجهی و پیچیده در حال حرکت است. در این چارچوب، اصل «توازن در سیاست خارجی» به این معناست که یک کشور بر مدار تأمین منافع ملی خود به صورت هم‌زمان و متوازن با همه کشورها و مناطق مختلف جهان در ارتباط باشد و تا جایی که ممکن است هیچ منطقه یا کشوری را از حلقه مناسبات خارجی حذف یا جایگزین دیگری نکند.

با این حال، باید توجه داشت که توازن به معنای برابری و یکسان دیدن همه مناطق و کشورها نیست، بلکه به معنای توجه به همه کشورها و مناطق، متناسب با قدرت و اعتبار بین‌المللی آن‌هاست. پس در این چارچوب، اولویت‌بندی مناطق، به معنای تقدم برخی از کشورها و مناطق بر دیگری نیست و این امر، هیچ تعارضی با توازن در سیاست خارجی ندارد. معیار و شاقول سیاست خارجی «منافع ملی» است که براساس این منافع ملی روابط خارجی تعریف و تعقیب می‌شود.

بنابراین راهبرد متوازن‌سازی و تعامل هوشمند با همه کشورهای جهان و در واقع، تنوع‌بخشی به دامنه ارتباطات خارجی می‌تواند به مثابه یک واکنش طبیعی در تطبیق با تجارب دیپلماتیک ایران و متناسب با الزامات جهان چندقطبی قلمداد شود. از این روست که حجت‌الاسلام رئیسی در آیین تحلیف ریاست جمهوری در مجلس شورای اسلامی با اشاره به دگرگونی‌های جهان کنونی تأکید کرد که تأمین منافع ملت‌ها منوط به درک جهان جدید و تعامل

خورده بود. اروپایی‌ها نتوانستند استقلال خود را از سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه دولت ترامپ در اعمال تحریم‌های جدید پس از خروج غیرقانونی از برجام نشان دهند و سازوکارهای جبرانی برای پشت‌پا زدن ایالات متحده به تعهدات برجامی خود طراحی و اجرا کنند.

با وجود این، ایران همچنان پس از خروج ترامپ از برجام، به مدت ۲ سال به برجام پای‌بند ماند، اما دولت ترامپ به برجام بازنگشت. به این ترتیب، در مقطع زمانی قدرت‌گیری گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم، نمی‌توان ایران را به قصور یا تقصیر در پیگیری دیپلماسی تعامل با غرب و پای‌بندی به توافق برجام متهم کرد و در عوض گفتمان غیرقابل اعتماد بودن غرب (اعم از ایالات متحده و تروئیکای اروپا) در میان افکار عمومی و افکاربخشی زیادی از نخبگان فکری و اجرایی تقویت شد، به گونه‌ای که نهایتاً زمینه بازیابی و قدرت‌گیری گفتمان مقاومت را در مقابل بدعهدی و زیاده‌خواهی‌های غرب فراهم آورد.

انتخابات سال ۲۰۲۰ ریاست جمهوری در ایالات متحده و روی کار آمدن دولت دموکرات جو بایدن نیز نتوانست تغییری در این فرایند ایجاد کند، چراکه اولاً سیاست فشار حداکثری دولت قبل همچنان ادامه پیدا کرد تا جایی که حتی بایدن هم ایران را به «سایر گزینه‌ها» در صورت شکست دیپلماسی تهدید کرد که البته چنین تهدیداتی صرفاً ایران را به سمت و سوی قدرت‌گیری جریان مقاومت در مقابل زیاده‌خواهی‌های طرف غربی و استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در خنثی‌سازی تحریم‌ها تشویق کرد. ثانیاً، با قدرت‌گیری دموکرات‌ها در کاخ سفید گفتمان اجماع‌سازی و ائتلاف‌سازی بین‌المللی چندجانبه در راستای مهار و تضعیف قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورهایی همچون ایران، روسیه و چین تقویت شده است.

هسته‌ای ایران) را احیا کند، چنین تنش‌زدایی ضروری است و می‌تواند بخشی از یک معماری امنیتی منطقه‌ای باشد که به شدت از آن حمایت می‌کند. گفتمان انقلاب‌گرایی عمل‌گرای دولت رئیسی ریشه در رویکردهای اصولی و انقلابی رهبری انقلاب به جهان سیاست خارجی معاصر دارد. از نظر او واقعیت‌های معاصر «مرحله دوم انقلاب» در قالب بیانیه گام دوم انقلاب به‌طور مشخص عبارت‌اند از:

- شور و نشاط جنبش‌های «مقاومت» اسلامی در منطقه

- افزایش قدرت ژئوپلیتیکی ایران

- شکست سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده

- بی‌اعتمادی ایران به ایالات متحده و نیاز به «دیپلماسی هوشمندانه» براساس «ترمش قهرمانانه» (به تعبیر دیگر عمل‌گرایی) و حمایت قاطع از «آرمان‌های انقلابی» (به تعبیر دیگر انقلابی‌گری)

- نیاز به «اقتصاد مقاومتی» و «دیپلماسی اقتصادی» با «دوستان و کشورهای همسایه» برای دور زدن تحریم‌های ایالات متحده، که هر ۲ جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب از آن به‌عنوان «تروریسم اقتصادی» یاد می‌کنند

- ضرورت نگاه ایران به شرق با توجه به ظهور قدرت‌های آسیایی مانند چین و هند. خصوصاً با توجه به تمرکز بیش از حد دولت یازدهم و دوازدهم به غرب و مشخصاً تقویت انگاره اعتمادناپذیری ایالات متحده و تروئیکای اروپا پس از خروج دولت دونالد ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸.^{۱۴}

۱۴. اساساً می‌توان جدیت دولت سیزدهم در اتخاذ راهبرد «نگاه به شرق» را که می‌توان تحت عنوان چرخش ایران به آسیا به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی در این دولت نیز یادکرد، در واکنش به بدعهدی‌های محور اروپا/ایالات متحده در عمل به وعده‌های اقتصادی پس‌برجامی قابل فهم است.

راهبردی با قدرت‌های نوظهور و سیاست خارجی موفق و متوازن وابسته است (سخنرانی مراسم تحلیف ریاست جمهوری دوره سیزدهم، ۱۴۰۰/۵/۱۴).

۲.۳. انقلابی‌گری عمل‌گرا به مثابه نقطه کانونی

راهبرد کلی و دال مرکزی معنابخش به گفتمان سیاست خارجی دولت رئیسی با توجه به ۲ شاخه تفکر استراتژیک رهبری می‌تواند «انقلاب‌گرایی عمل‌گرا» نامیده شود، زیرا هر ۲ عنصر انقلابی‌گری و عمل‌گرایی را دربرمی‌گیرد.^{۱۵} هم‌زیستی توأمان چندجانبه‌گرایی (عملگرایی) و تجدیدنظرطلبی (انقلابی‌گری) این سیاست خارجی انقلابی عبارت است از تجدیدنظرطلبی با درون‌مایه مقاومت در برابر هژمونی ایالات متحده و اخراج نیروهای آن از منطقه (به‌ویژه از عراق). بدین ترتیب، جزء کلیدی این انقلابی‌گری جنبه «مقاومت» است. رئیسی از حامیان «محور مقاومت» است (محسنی و کالوت، ۲۰۱۷: ۴)، به‌دنبال مقابله ژئوپلیتیکی با ایالات متحده و اسرائیل در منطقه است و «اقتصاد مقاومتی» ایران (صالحی اصفهانی، ۲۰۲۱: ۵) را به‌عنوان ابزاری برای خنثی‌سازی تحریم‌های ایالات متحده دنبال می‌کند.

جنبه عمل‌گرایانه سیاست خارجی دولت سیزدهم به‌معنای پیگیری چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی با همه بازیگران منطقه‌ای و جهانی (به جز اسرائیل) است. برای نمونه، اگر ایران بخواهد برجام (برنامه

۱۵. البته با توجه به متن سخنرانی حجت‌الاسلام رئیسی در هفتاد و هفتمین نشست مجموع عمومی سازمان ملل در نیویورک، می‌توان نام «چندجانبه‌گرایی عدالت‌محور» را نیز برای آن برگزید. چنانکه در این سخنرانی بر واقعیت مهم «چرخش و تغییر جهان» و ورود به «دوران و نظامی جدید» او نیز زوال نظم کهنه مبتنی بر «یک‌جانبه‌گرایی»، «سلطه‌طلبی» و «غلبه سرمایه بر اخلاق و عدالت و فضیلت» و تشکیک در «نظم ناعادلانه» تأکید و تصریح کرده است. او در این سخنرانی از «ضرورت عدالت جهانی» به‌عنوان یگانه راه‌حل مشکلات جهانی سخن به میان آورد. (سخنرانی در هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۴۰۱/۶/۳۰. قابل دسترس در: <https://www.president.ir/fa/۱۳۹۶۹۵>)

ظرفیت‌های جهان اسلام و ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی میان کشورهای اسلامی و درنهایت، تقویت و احیای بازدارندگی کشور در ابعاد مختلف، از الزامات سیاست خارجی انقلابی دولت رئیسی دانسته شده است (گوهری‌مقدم، 8/9/1400).

همچنین همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد صراحت رئیس دولت سیزدهم در اعلام تعهد به سیاست انقلابی در حمایت از راهبرد مقاومت، از جمله نشانه‌های اصلی جایابی دال انقلابی‌گری در کانون گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم قلمداد می‌شود. در این راستا، تصریح بر مواردی مانند حمایت همیشگی از مقاومت فلسطین مظلوم در مقابل اشغال‌گری رژیم صهیونیستی (سخنرانی در اولین نشست خبری پس از پیروزی، ۱۴۰۰/۳/۳۱) و طرح و در واقع، پیشنهاد رهبری مبنی بر برگزاری یک انتخابات آزاد با مشارکت همه فلسطینیان فارغ از یهودی، مسیحی یا مسلمان به‌عنوان راه‌حل نهایی بحران فلسطین (سخنرانی در نشست با جمعی از مدیران ارشد رسانه‌های آمریکایی در حاشیه هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۴۰۰/۱/۶/۳۱)، شکست پژوه تحمیل هویت غربی و سیاست فشار حداکثری ایالات متحده علیه ایران و اخراج آن از عراق و افغانستان، کارایی مقاومت هوشمند و پویای جمهوری اسلامی در مقابل ایالات متحده (سخنرانی مجازی در مجمع عمومی سازمان ملل، ۳۰ شهریور سال ۱۴۰۰)، تأکید بر لزوم شکل‌گیری الگوی امنیت نوین در آسیا بر پایه «توسعه مشترک و تعمیق چندجانبه‌گرایی بدون دخالت قدرت‌های خارجی» (سخنرانی در بیست و دومین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، ۱۴۰۰/۱/۶/۲۵) و نهایتاً تصریح بر تشدید خواسته ملت‌های جهان برای تحقق عدالت و بارور شدن دکترین مقاومت به‌منظور تحقق عدالت در جهان (سخنرانی در هفتاد و هفتمین مجمع

بر این اساس، در عین حالی که پایه اصلی سیاست خارجی دولت سیزدهم بازگشت به اصول سیاست خارجی نظام اسلامی و راهبردهای تنظیمی از سوی رهبر معظم انقلاب است (کوچک‌زاده، پایگاه اینترنتی بصیرت، ۱۴۰۰/۱/۶/۱۷)، به دلیل واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران، کاملاً عمل‌گرایانه عمل می‌کند:

۳.۳. جنبه انقلابی‌گری

انقلابی‌گری در گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم نشانه‌هایی دارد که از آن جمله می‌توان به مواردی مانند تعهد به راهبرد سیاست خارجی رهبری انقلاب اسلامی درباره دشمن‌شناسی و حفظ غرور ملی (سخنرانی در مناظرات انتخاباتی، ۱۴۰۰/۲/۳۰)، بازگشت به برخی شعارهای اصیل انقلابی و آرمانی نظیر «استقلال»، «آزادی» و «مردم‌سالاری دینی» و تأکید بر عناصری مانند کارایی «مقاومت هوشمند» ضدسلطه «نظام سلطه ایالات متحده» و «عدالت» به‌عنوان نقطه محوری حرکت انقلابی و همچنین الهام از اندیشه الهی و سیاسی امام خمینی (ره) و رهبری انقلاب در موضع‌گیری‌های کلان و منطقه‌ای سیاست خارجی در سخنرانی مجازی در هفتاد و ششمین اجلاس سران مجمع عمومی سازمان ملل (سخنرانی مجازی در هفتاد و ششمین اجلاس سران مجمع عمومی سازمان ملل) اشاره کرد.

در این راستا، استفاده از ظرفیت میدان و دیپلماسی به شکل هم‌زمان و مکمل، ترکیب معنویت، انقلابی‌گری و عقلانیت در سیاست خارجی، مرزبندی با دشمنان در عین پرهیز از ایجاد تنش غیرضروری، اتخاذ موضع شجاعانه و مدبرانه در دفاع از حقوق، مبانی، ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی، فعال‌سازی

با این وضعیت، هرچند گفتمان انقلابی رئیسی هم ایالات متحده و هم طالبان را دشمن تاریخی جمهوری اسلامی ایران می‌داند،^{۱۷} اما به ضرورت سیاست همسایگی و از باب انتخاب میان بد و بدتر، سیاست خارجی رئیسی با اکراه حکومت طالبان را به رسمیت شناخته است و در عوض پیروزی خود را بر ایالات متحده غنیمت شمرد.

به دیگر سخن، با وجود رویکردهای ضدشیعی جریان طالبان و گروه القاعده با جمهوری اسلامی ایران، میزان شرارت طالبان همواره در مقایسه با نیروهای آمریکایی ارزیابی می‌شود. به این ترتیب، به نظر می‌رسد به دلیل واقعیت‌های میدانی در منطقه، استقبال ایران از طالبان بیشتر عملی است تا ایدئولوژیک. یعنی دولت رئیسی می‌دانست که نمی‌تواند قدرت‌گیری طالبان را به عنوان یک واقعیت غیرقابل اجتناب در تاریخ و جامعه افغانستان متوقف کند.

یکی دیگر از گرایش‌های اصلی عمل‌گرایانه آسیایی که در دولت رئیسی برجستگی پیدا می‌کند، ترویج دیپلماسی منطقه‌ای برای کاهش ده‌ها تنش با رقبای منطقه‌ای از قبیل عربستان سعودی و پاکستان است. برای نمونه، مقامات رسمی بلندپایه هر دولت سیزدهم و مقامات ریاض برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بازگرداندن آن در بغداد ملاقات کرده‌اند. البته به نظر می‌رسد شکست عربستان سعودی در تقابل نظامی با دولت و ملت یمن و نیز رویکرد همسایه‌محورانه دولت سیزدهم ۲ عامل جدی در جدیت طرفین در مذاکرات مزبور باشد.

۱۷. شایان ذکر است که کشتن دیپلمات‌های ایرانی در ۱۹۹۸ توسط طالبان، ایران و افغانستان را تقریباً تا آستانه یک جنگ تمام‌عیار پیش برد.

عمومی سازمان ملل، ۱۴۰۱/۶/۳۰، از جمله حقایق مندرج در سوبیه انقلابی‌گری گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم قلمداد می‌شود.

در مجموع و براساس سوابق عقیدتی و سیاسی سید ابراهیم رئیسی، موضع‌گیری‌های او در رقابت‌های انتخاباتی و دوران ریاست جمهوری او، می‌توان گفت که جهان‌بینی سیاسی او با رهبر معظم انقلاب کاملاً همسو است. در این راستا، او نیز همانند رهبری، نظم جهانی را نظمی می‌بیند که در حال گذار از یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده به سمت نظم چندجانبه‌گرا است. این نظم براساس ظهور قدرت‌های آسیایی نظیر چین و قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران تعریف می‌شود. این دیدگاه البته توسط سایر مقامات جمهوری اسلامی حتی بعضاً مقامات دولت روحانی نیز دنبال می‌شد.

برای نمونه، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، آن را در کتاب خود «نظم بین‌المللی پس‌اگرایی» نام گذاشت (ظریف و سجادیور، ۱۳۹۶).

۴.۳. جنبه عمل‌گرای: مبنای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی

۱.۴.۳. مبنای ژئوپلیتیکی

از زمان روی کار آمدن رئیسی،^۳ تغییر ژئوپلیتیکی مهم ظهور کرده است: باز قدرت‌گیری طالبان در افغانستان، آغاز مذاکرات دیپلماتیک جدی با رقبای منطقه‌ای (عمدتاً عربستان سعودی) برای کاستن از تنش‌های منطقه‌ای و پیوستن رسمی به سازمان پیمان شانگهای. این ۳ مثال بیانگر دکترین سیاست خارجی «انقلابی‌گری عمل‌گرا» و پیگیری راهبرد «چرخش به آسیا» در گفتمان آن است.

با توجه به ۳ مثال بالا، چرخش ژئوپلیتیکی ایران به آسیای (غربی) یک روند جدی تحت ریاست جمهوری دولت سیزدهم است. این روند همان‌گونه که ذکر شد ۲ پایه عمل‌گرایی و انقلابی‌گری دارد. جنبه عمل‌گرایانه آن معطوف به تلاش‌های دولت مزبور برای تنش‌زدایی در سطح منطقه و نیز عضویت رسمی تهران در سازمان شانگهای است. جنبه انقلابی‌گرایانه آن به درخواست و تلاش‌هایش برای اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه در چارچوب رویکرد و روش کلی مقاومت مرتبط است.

بنابراین در انتقال از دولت روحانی به رئیسی، تغییر تمرکز آشکاری انجام شده است. درحالی‌که روحانی بر دیپلماسی با قدرت‌های غربی تأکید می‌کرد، رئیسی دیپلماسی با قدرت‌های آسیایی (غربی) را ترجیح می‌دهد. به‌نظر می‌رسد دیپلماسی نوین آسیاگرایی در راهبرد خارجی دولت سیزدهم عمدتاً به‌عنوان یک ضرورت استراتژیک انکارناپذیر ناشی از عمل‌گرایی، صرف‌نظر از اراده شخصی خود رئیس‌جمهور مطرح باشد.

از حیث تحلیل شخصیت وزرای خارجه نیز باید گفت، درحالی‌که محمدجواد ظریف یک تحصیل‌کرده غربی و مسلط به زبان انگلیسی بود، امیرعبداللهمیان یک تحصیل‌کرده وطنی، علاقه‌مند به زبان عربی است که موضوعات غرب آسیا را اولویت می‌داند و در چارچوب دکترین «جنگ نامتقارن» خود از «محور مقاومت» حمایت می‌کند (فروغ، ۲۰۲۱ ب: ۱۴۲-۱۲۰).

متأثر از روند جدید تنش‌زدایی در دوران ریاست جمهوری رئیسی، روابط تنش‌آمیز ایران و امارات متحده نیز از سیاست واقع‌گرایانه دولت مزبور تأثیر می‌پذیرد که البته چنین رویکردی به دلیل عدم اولویت سیاست همسایگی و منطقه‌گرایی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم تقریباً متوقف شده بود. تلاش برای تقویت محور اسلام‌آباد/تهران با تکیه بر واقعیت‌های ژئوپلیتیک (برای مثال، همکاری برای مدیریت بحران امنیت افغانستان) و ژئواکونومیک (برای مثال، کوریدور بین‌المللی شمال/جنوب)، علی‌رغم قربت‌های ایدئولوژیک و نظامی/امنیتی پاکستان و عربستان سعودی هم در این همین چارچوب قابل تحلیل است.

ملموس‌ترین جلوه چرخش عمل‌گرایانه سیاست خارجی ایران در دولت سیزدهم در گرایش تهران به پیگیری جدی عضویت رسمی در سازمان همکاری شانگهای مربوط می‌شود که در سپتامبر سال ۲۰۲۱ نتیجه داد. این نوع عمل‌گرایی با افق راهبردی اعضای اصلی شانگهای همانند چین بر اساس اصل مهم سیاست خارجی پکن مبنی بر «مردم آسیا برای حفظ امنیت آسیا»^{۱۸} هم‌پوشانی پیدا کرده است. عضویت ایران در شانگهای منافع بلندمدتی برای جمهوری اسلامی به ارمغان خواهد آورد، چنانکه ایران را تبدیل به یک شریک رسمی مشروع در همه موضوعات امنیتی آسیا، خصوصاً آسیای مرکزی، جنوب و غرب آسیا خواهد کرد. وانگهی هرچقدر اختلاف ایالات متحده و چین عمیق‌تر شود، نقش شانگهای برای تأمین امنیت آسیا و به تبع آن جایگاه ایران در این سازمان پررنگ‌تر خواهد شد.

18. Asian People to Uphold Asian Security

نیز بهره‌گیری از ابتکارات ژئواکونومیک و کریدورهای انتقال انرژی، کالا و خدمات در این راستاست.

رئییسی به‌منظور بهبود اقتصادی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شعارهای اعلامی در مبارزات انتخاباتی، ترویج الگوی اقتصاد مقاومتی و خنثی‌سازی تحریم‌ها را به‌عنوان یکی از راهکارهای فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی داخلی دنبال کرده است. در این راستا، از نظر دولت سیزدهم، اقتصاد مقاومتی مستلزم افزایش خوداتکایی ایرانیان، ظرفیت‌سازی، حمایت از صنایع و تولید داخلی در برابر رقابت خارجی، تولید داخلی اقلام ضروری، از جمله مواد غذایی و دارویی، تولید ذخایر استراتژیک برای این اقلام و دور شدن از اقتصاد وابسته به درآمدهای نفتی بوده است.

از لحاظ بین‌المللی، اقتصاد مقاومتی به‌معنای استفاده از بازیگران دولتی و غیردولتی دوست یا دست‌کم غیردشمن به‌منظور دور زدن تحریم‌ها از طریق تجارت منابع گازی و نفتی در جهت تأمین ارز موردنیاز برای واردات کالاهای اساسی و فناوری‌های پیشرفته است.

در مسیر فعال‌سازی هرچه بیشتر دیپلماسی اقتصادی و متناسب با الگوی اقتصاد مقاومتی، دولت رئییسی به‌دنبال فعال‌سازی مؤثرتر مزیت‌های جغرافیای اقتصادی ایران است. در حالی که سیاست خارجی دولت روحانی به‌دنبال بین‌المللی کردن اقتصاد ایران از طریق توافق هسته‌ای بود، الگوی اقتصاد مقاومتی رئییسی به‌دنبال تکیه بر شرکای منطقه‌ای مانند عراق و ترکیه و همچنین بازیگران آسیایی مانند چین و روسیه است. در این راستا، رویکرد دولت حاکم به اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک راهکار ژئواکونومیک میان‌مدت برای چرخش از غرب به سمت آسیاست.

اولین توثیت او به‌عنوان وزیر امور خارجه بیانگر اهتمام او به خط‌مشی رهبری در پیگیری «دیپلماسی هوشمند» و اولویت‌بخشی به غرب آسیا دارد.^{۱۹} در سطح فرمانطقه‌ای نیز گفتمان سیاست خارجی رئییسی بر اساس افزایش نفوذ ایران در آفریقا و آمریکای لاتین از طریق تثبیت روابط ۲ طرفه استراتژیک با دولت‌های آن‌ها تنظیم شده است.

۲.۴.۳. مبنای ژئواکونومیک

واقعیات ژئواکونومیک دومین مبنای تعیین‌کننده جنبه عملگرایی به‌عنوان یکی از ۲ رکن دال مرکزی در گفتمان سیاست خارجی دولت رئییسی است. بدین سان، واقعیات و اولویت‌های ژئواکونومیک ایران یکی از پیش‌ران‌های اصلی هم‌زیستی و هم‌نشینی عملگرایی‌افزایده‌گرایی با جنبه انقلابی‌گری در سیاست خارجی دولت رئییسی قلمداد می‌شود.

به‌نظر می‌رسد اولویت‌های ژئواکونومیک ایران در دوره ریاست جمهوری او با ۲ فرایند تعریف شوند: یکی واکنشی و دیگری پیشگیرانه. در سطح واکنشی، رئییسی قصد دارد الگوی اقتصادی مقاومتی را با هدف دور زدن تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده و در مقابل آن تقویت کند. در سطح کنشی نیز شاهد جدیت دولت او در پیگیری دیپلماسی اقتصادی و از جمله حرکت در چارچوب «راهبرد اتصال ایران»^{۲۰} (فروغ، ۲۰۲۱ ج: ۳۱۴-۲۹۱) هستیم که تا حد ممکن به‌دنبال استفاده از ظرفیت وضعیت جغرافیایی ممتاز کشور از لحاظ مرکزیت در ایجاد ارتباطات کلیدی، غیرقابل تحریم و غیرقابل منزوی‌سازی و

۱۹. نخستین توثیت امیر عبداللهیان در سمت وزیر امور خارجه ایران به شرح ذیل است: «افتخار من این است که با اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی، نماینده ملت بزرگ ایران در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل هستم. مصمم بر پیگیری سیاست خارجی متوازن، پویا و هوشمند مبتنی بر اصول عزت، حکمت و مصلحت.»

20. Iranian Connectivity Strategy (ICS)

شده است، به‌گونه‌ای که در سخنرانی سید ابراهیم رئیسی در بیست و دومین اجلاس سران شانگهای خود را نشان می‌دهد:

در کنار همکاری‌های مالی و بانکی، ما بایم حوزه‌های مهم مواصلات و امنیت انرژی را به‌عنوان ۲ حوزه کلیدی و مهم برای سازمان همکاری‌های شانگهای مورد توجه قرار دهیم. علی‌رغم پتانسیل‌های چشمگیر، اتصالات زیرساختی در حوزه ترانزیت میان اعضای سازمان همکاری شانگهای چندان گسترده نیست. ایران اولویت ویژه‌ای برای توسعه کریدور شمال/جنوب قائل است و سرمایه‌گذاری عظیمی انجام داده است. افزون بر آن، کریدور چین/آسیای مرکزی/غرب آسیا/دریای مدیترانه که از پتانسیل‌های بالایی برخوردار است، در شرایط کنونی «بخش مهمی از راه‌حل» توسعه تجارت میان شرق و غرب اوراسیا محسوب می‌شود.

با همکاری اعضای سازمان همکاری شانگهای می‌توان زمینه لازم برای اجرایی شدن این کریدور و بهره‌مندی اعضا از مزایای آن را فراهم آورد. شکل‌دهی به «ترانزیت پایدار» نیازمند همکاری چندجانبه اعضا در توسعه زیرساخت‌های سخت و نرم است. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌مندی از ظرفیت‌های کم‌نظیر خود مانند ۱. مجاروت با ۲ حوزه بزرگ نفتی و هیدروکربوری جهان، یعنی خلیج فارس و دریای خزر، ۲. شبکه مواصلاتی نفت و گاز و موقعیت ترانزیتی مناسب و ۳. نیروی انسانی متخصص، آماده است نقش مؤثری را در این حوزه و در راستای رفع نگرانی اعضا در تأمین امنیت عرضه انرژی ایفا کند (سخنرانی در بیست و دومین اجلاس سران شانگهای، ۱۴۰۱/۶/۲۵).

از طرفی، راهبرد اتصال ایران نیز به‌عنوان یک چشم‌انداز ژئواکونومیک بلندمدت برای تبدیل ایران به یک قطب بین مناطق مختلف جهان است. در واقع، سیاست و راهبرد اتصال دولت سیزدهم بیانگر راهبرد فراموش‌شده ایران در مبدل شدن به یک «پل» یا «پیوند» ژئواکونومیکی بین «شرق» و «غرب» است که خواستار احیای جغرافیای جاده ابریشم به‌عنوان یک اولویت ژئواکونومیک است. این رویکرد در تقویت روابط دولت سیزدهم با دولت‌های پاکستان، ترکیه و کشورهای حوزه آسیای مرکزی نمود و بروز پیدا کرده است.

گفتمان جاده ابریشم با معرفی «بتکار کمربند و جاده»^{۲۱} چین (فروغ، ۲۰۱۸: ۳) که به‌طور غیررسمی با نام «جاده ابریشم جدید چین» شناخته می‌شود، در چارچوب گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم رسماً رونق گرفت. براساس تقویت تصور از خود به‌عنوان «پیوندزنده» میان شرق و غرب در دولت مزبور، ایران تلاش می‌کند نقش محوری در کریدور «آسیای مرکزی/غرب آسیا» ایفا کند. این تصور ژئواکونومیکی ایران از نقش خود به‌عنوان پیونددهنده شرق و غرب با تصور جدیدی تحت عنوان یکی از اعضای اصلی کریدور شمال / جنوب، خصوصاً یکی از اعضای INSTC^{۲۲} تکمیل

21. Belt and Road Initiative (BRI)

۲۲. INSTC یک شبکه حمل‌ونقل ترکیبی ۷۲۰۰ کیلومتری شامل مسیرهای دریایی، جاده‌ای و ریلی است تا کوتاه‌ترین مسیر ارتباطی را ارائه و اقیانوس هند را از طریق خلیج فارس به دریای خزر و سپس به روسیه و شمال اروپا متصل کند. این سیستم در سال ۲۰۰۰ با حضور هند، روسیه و ایران به‌عنوان اعضای بنیان‌گذار آن، تأسیس و کار برای راه‌اندازی این کریدور در سال ۲۰۰۲ آغاز شد. از آن زمان، آذربایجان، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکیه به کریدور ملحق شده‌اند. اوکراین، سوریه، بلاروس، عمان و بلغارستان نیز به‌عنوان عضو ناظر پذیرفته شده و کشورهای بالتیک مانند لتونی و استونی نیز تمایل خود را برای پیوستن به کریدور INSTC ابراز کرده‌اند. کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال/جنوب (INSTC) هند را به آسیای مرکزی، روسیه متصل می‌کند و می‌تواند تا منطقه بالتیک، شمال اروپا و قطب شمال گسترش یابد و دامنه تجارت را چند برابر کند. همچنین این پتانسیل را دارد که اقتصاد کشورهای کشبه کریدور را به قطب‌های تخصصی تولید، لجستیک و ترانزیت تبدیل کند.

با این توضیح و با رویکردی آسیب‌شناسانه به عملکرد دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی و گفتمان‌های متعدد سیاست خارجی آن‌ها در طول ۴ دهه می‌توان مدعی شد که دولت‌های مزبور به موضوع کلیدی دیپلماسی اقتصادی کمتر توجه کرده‌اند یا در اجرای آن موفق نبوده‌اند. در چنین متن و بطنی، یکی از اصلی‌ترین عناصر گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم اولویت‌بخشی به راهبرد خنثی‌سازی تحریم در عین پیگیری هم‌زمان سیاست رفع تحریم است.

این راهبرد که دارای غنای معنایی و مفهومی کافی برای معنابخشی به دقیقه «متوازن‌سازی روابط اقتصادی و سیاسی خارجی» و به نوبه خود الهام‌بخش به رویکرد چندجانبه‌گرایی سیاسی و اقتصادی در گفتمان دولت سیزدهم است، نهایتاً زمینه صورت‌بندی سیاست نگاه به شرق و سیاست همسایگی (آسیامحوری) را فراهم می‌آورد. بر این اساس، به نظر می‌رسد «دیپلماسی متوازن»، «منطقه‌گرایی» و «توسعه دیپلماسی اقتصادی» ۳ اصل برجسته در دستگاه دیپلماسی دولت سیزدهم بوده است.

اساساً، راهبرد خنثی‌سازی تحریم از طریق ابزار دیپلماسی اقتصادی فعال دنبال می‌شود. چنانکه تمرکز بر «چندجانبه‌گرایی اقتصادی» و تقویت «سیاست همسایگی» مبتنی بر تقویت دیپلماسی اقتصادی یکی از دستورکارهای اصلی دولت سیزدهم در عرصه سیاست خارجی تعریف می‌شود. به تعبیر محمد جمشیدی، معاون سیاسی دفتر ریاست جمهوری در دولت سیزدهم، حرکت این دولت به سمت چندجانبه‌گرایی اقتصادی مبتنی بر مفهوم استراتژیک خنثی‌سازی تحریم و نوع تغییر پارادایمیک مؤثر قلمداد می‌شود (جمشیدی، ۱۴۰۱/۵/۲۳)

تقویت مشوق‌ها برای سرمایه‌گذاری‌های هند در بندر چابهار (که موقتاً از تحریم‌های دولت ترامپ معاف شدند) در دولت سیزدهم، در چنین بستری اتفاق افتاد. به دلیل عدم برخورداری از مسیر دسترسی مناسب به خاک کشورهای آسیایی، ایران برای هند ارزش ترانزیتی جدی دارد. همین‌طور، کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی، ایران را به‌عنوان یک مسیر حیاتی برای دسترسی به آب‌های بین‌المللی از طریق خلیج فارس می‌بینند.

امضای قرارداد عشق‌آباد در سال ۲۰۱۱ و نیز امضای قرارداد تجاری ترجیحی در چارچوب ابتکار «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» با روس‌ها در چارچوب همین گفتمان تصور از خود به‌عنوان محور اتصال شرق به غرب و شمال به جنوب قابل فهم است. اخیراً در نوامبر سال ۲۰۲۱، دولت رئیسی به‌دنبال تبدیل ایران به کریدور رسمی ترانزیت زمینی میان امارات متحده عربی و ترکیه بوده است. بر این اساس، می‌توان مدعی شد دولت سیزدهم بیش از دولت‌های پیشین خود راهبرد تبدیل ایران به «چهار راه» ژئواکونومیک را دنبال می‌کند (فروغ، ۲۰۲۱ ج: ۲۹۲).

۵.۳. راهبرد خنثی‌سازی تحریم از طریق دیپلماسی اقتصادی فعال

فعال‌سازی ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی در نظام بین‌الملل یکی از ابزارهای مهم برای تعامل در فضای جهانی و اتصال به اقتصاد جهانی است، چراکه راه مؤثری در راستای افزایش رشد اقتصادی و مقاوم کردن اقتصاد کشور در برابر تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی است. اولویت دادن به ارتباط اقتصادی سازنده و اثربخش با جهان در قالب دیپلماسی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای ایران است.

و توجه به قدرت‌های نوظهور و ورود به پیمان‌های راهبردی با آن‌ها و تکمیل فرایند هم‌گرایی با مجموعه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای را در پی دارد. از مصادیق جدی سیاست منطقه‌گرایی، توجه به کشورهای آسیایی، سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر پیمان شانگهای و اکو است (گوهری‌مقدم، ۱۴۰۰/۹/۸).

بنابراین احیای ظرفیت‌های مغفول در حوزه تجارت و اقتصاد، اقدام کلیدی دولت رئیسی در راستای متوازن‌سازی روابط خارجی و فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی است. در این راستا، رئیس دولت سیزدهم در بیست و یکمین اجلاس سران شانگهای بر آن است تا تهدید چندجانبه‌گرایی اقتصادی و سیاسی را توسط دولت ایالات متحده و ظرفیت سازمان شانگهای برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی و تحریم‌های ایالات متحده مورد تأکید قرار دهد (رئیسی، ۱۴۰۱/۶/۲۵، سخنرانی در بیست و دومین اجلاس سران شانگهای).

از جمله دستاوردهای عملی رویکرد متوازن‌سازی در دولت سیزدهم را می‌توان افزایش قابل توجه صادرات نفت خام و پایداری آن، افزایش حدود ۵۰ درصدی تجارت خارجی، تسهیل تجارت فرامرزی و حمایت مستمر از آن، افزایش تجارت با کشورهای همسایه، توجه به تسهیل فرایند کاری گمرکات، بهبود شرایط بازارچه‌های مرزی، افزایش همکاری‌های اقتصادی با سایر کشورها در اقصی نقاط دنیا و برگزاری بیش از ۱۵ کمیسیون مشترک اقتصادی، رشد ۳۹ درصدی حجم ترانزیت و فعال‌سازی کریدورهای شمال به جنوب و غرب به شرق کشور، آغاز و انجام فرایند عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، افزایش همکاری با اتحادیه اقتصادی بریکس، سوآپ انرژی، حذف

مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی، چندجانبه‌گرایی و مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی بر پایه عدالت، همکاری، احترام متقابل و ضرورت ایفای نقش سازنده در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله عناصر دیگر گفتمانی دولت رئیسی در راستای عملیاتی کردن راهبرد خنثی‌سازی تحریم قلمداد می‌شود (گوهری‌مقدم، ۱۴۰۰/۹/۸).

۶.۳. متوازن‌سازی روابط خارجی (چندجانبه‌گرایی)

متوازن‌سازی روابط خارجی اصلی‌ترین مولود خرده‌گفتمان و راهبرد خنثی‌سازی تحریم است. به این معنا که نتیجه قهری و غیرقابل اجتناب رویکرد خنثی‌سازی تحریم، تنوع و توازن‌بخشی به گستره و عمق روابط خارجی است. از حیث گستره، تنوع‌بخشی به بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای در اندرکنش‌های سیاست خارجی مطمح نظر خواهد بود، در حالی که از لحاظ عمق، تنوع‌بخشی به موضوعات و فرابرجامی دیدن مسائل سیاست خارجی در اولویت قرار گرفته است: «سیاست خارجی دولت ما از برجام شروع نمی‌شود و به برجام نیز محدود نخواهد شد، بلکه ما تعامل گسترده و متوازنی را در سیاست خارجی دنبال خواهیم کرد.» (سخنرانی در اولین نشست خبری به عنوان رئیس‌جمهور منتخب، ۱۴۰۰/۳/۳۱).

بدین‌سان، نفی غرب‌گرایی محض در روابط خارجی از ایده‌های کانونی دولت است که با توجه به آنکه انتقال قدرت در نظام بین‌الملل از غرب به شرق در حال انجام است، تعیین جایگاه جمهوری اسلامی ایران در مناسبات آینده جهانی با این قدرت‌ها یک اصل است. در این راستا، ورود به مناسبات راهبردی با این کشورها در جهت مهار غرب و توازن‌بخشی به سیاست خارجی کشور امری ضروری تلقی می‌شود

خارجی را پیگیری و تنظیم می‌کنیم و هر مقدار که چین، روسیه، هند یا هر کشور دیگری در جهان در راستای منافع مشترک طرفین ایده‌ها و ابتکاراتی داشته باشند و ما احساس کنیم که منافع مان در سطح خیلی خوبی تأمین می‌شود، از این ایده‌ها حتماً استقبال می‌کنیم و حتماً این فرصت برای تمام کشورها در قاره‌ها و مناطق مختلف وجود دارد، چه در آمریکای لاتین، چه در آفریقا و غرب یا هر حوزه دیگری که ممکن است، باشد (امیرعبداللهیان، گفت‌وگو با دنیای اقتصاد، ۱۴۰۰/۷/۱۹)..... متوازن بودن سیاست خارجی بدان معناست که ما روابط خارجی کشور را به یک محور و منطقه خاص گره زده‌ایم و به همه ظرفیت‌های موجود در ۵ قاره جهان توجه کرده و تحقق منافع ملی دولت ایران را هوشمندانه دنبال می‌کنیم.» (امیرعبداللهیان، گزارش به دهمین اجلاس مجلس خبرگان رهبری، ۱۴۰۱/۱۶/۱۶).

او همچنین در رد ابهامات موجود درخصوص نقض اصل «نه شرقی» در راهبرد متوازن سازی در سیاست خارجی ارزش محور و انقلابی جمهوری اسلامی ایران و نقض راهبرد مدنظر امام خمینی (ره) و رهبری انقلاب در این خصوص، ضمن تأکید مجدد بر تنوع جغرافیایی در حوزه تعریف منافع ملی کشور از اروپا و آمریکای لاتین گرفته تا آفریقا و آسیا بر این نکته تصریح داشت که: «کاری که ما در دستگاه سیاست خارجی داریم انجام می‌دهیم، می‌گوییم در حوزه استقلال سیاسی، نه شرق، نه غرب، نه ایالات متحده، نه روسیه و نه هیچ طرف دیگر، اما در حوزه منافع کشور، منافع ملت، در حوزه استفاده از امکاناتی که در جهان وجود دارد و ما با ظرفیت‌هایی که داریم و می‌توانیم در جهان ارائه دهیم. اتفاقاً شعار ما در دستگاه دیپلماسی هم شرق و هم غرب است،

دلار از مرادوات تجاری ایران و روسیه، نهایی‌سازی پیمان تجارت آزاد ایران با اتحادیه اوراسیا، حمایت از بین‌المللی شدن فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان و حمایت همه‌جانبه از صادرات محصولات این شرکت‌ها، ارتقای تعاملات اقتصادی استان‌ها با هم‌تایان خارجی از ابتدای دوره دولت سیزدهم در یک سال اول عمر دولت، ارزیابی کرد (صفری، ۱۴۰۱/۶/۲).

۷.۳. معنای توازن در سیاست خارجی دولت سیزدهم

از آنجا که از حیث نظری و عملی برخی ابهامات درخصوص مدل‌دال «توازن» در سیاست خارجی دولت رئیسی وجود دارد، به نحوی که ممکن است آن را تقلیل سیاست خارجی به سیاست نگاه به شرق (مشخصاً پیوند با چین و روسیه) و کنار گذاشتن اساسی غرب و در مواردی نقض اصل «نه شرقی» در سیاست خارجی انقلابی معنا کنند، ضروری است این عنصر گفتمانی تأثیرگذار در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، به‌طور عام و دیپلماسی دولت سیزدهم، به‌طور خاص توضیح داده شود.

امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه دولت سیزدهم و شارح اصلی راهبرد متوازن‌سازی دولت مزبور در این خصوص تصریح می‌کند که یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی متوازن این است که ضمن توجه به اولویت‌ها، از هر فرصتی در سایر حوزه‌های جهان برای تأمین حداکثری منافع ملی‌مان استفاده کنیم. سیاست خارجی متوازن به این معناست که در تعامل با شرق و غرب عالم سیاست خارجی فعالی را دنبال کنیم و دیپلماسی پویایی داشته باشیم... حتماً نمی‌خواهیم کشور را به روسیه و چین گره بزنیم، بلکه در راستای منافع ۲ طرف سیاست

۸.۳. سیاست نگاه به شرق و جایگاه چین و روسیه

از حیث بین‌المللی، سیاست نگاه به شرق معلول تغییر شرایط و ماهیت قدرت در سطح جهانی و به تبع آن تغییر رتبه‌بندی و سلسله مراتب قدرت است. چنانکه جوزف نای تصریح می‌کند در قرن ۲۱، شاهد ۲ گونه تحول قدرت هستیم: ۱. جابه‌جایی قدرت میان کشورها: از غرب به شرق و ۲. انتقال قدرت از بازیگران دولتی به بازیگران غیردولتی. اولی را جابه‌جایی قدرت و دومی را توزیع قدرت می‌نامیم (نی، ۲۰۱۱: ۱).

بدین ترتیب، استراتژی «نگاه به شرق» محصول ظهور یک نیروی جدید و قدرتمند در ساخت نظم جهانی است. نظمی که الزاماً دیگر نظم غربی نیست. این نیروی غیرغربی نتیجه جابه‌جایی‌های جریان قدرت در جهان و روند تدریجی شکل‌گیری ساختار متنوع‌تری از نظم بین‌المللی است. در این راستا، شاهد ظهور قدرتهای نوظهوری را در شرق، به‌ویژه شرق آسیا هستیم. در چنین شرایطی ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت سیزدهم است.

با توجه به تجربه غیرموفق تقلیل روابط خارجی به ترمیم مناسبات با غرب و تقویت نگاه واقع‌بینانه درباره ظهور چین به عنوان یک قدرت اقتصادی و حتی نظامی نوظهور و نیز راهبرد ناآر آسیاگرایی روسیه در دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، جمهوری اسلامی ایران به‌طور عام و دولت سیزدهم به‌طور خاص با هدف تعدیل فشارهای ناشی از ساختار قدرت غرب‌محور از یک طرف و ارتقای موقعیت خود در نظام بین‌الملل، دستیابی به اهداف رشد و توسعه ملی و نیز سیاست متوازن خارجی خود از طرف دیگر،

کار با همه بخش‌های جهان است.» (امیرعبداللهیان، گفت‌وگو با برنامه صف اول، ۳۰/۴/۱۴۰۱).

در تحلیل نهایی، فهم رویکرد متوازن‌سازی در دیپلماسی دولت سیزدهم از متن و بطن سخنان حجت‌الاسلام رئیسی در مراسم تحلیف خود در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی ممکن است. چنانکه او در بیان مراد خود از چنین رویکردی معتقد است جهان در حال دگرگونی است و تأمین منافع ملت‌ها، منوط به درک جهان جدید و «تعامل راهبردی» با «قدرتهای نوظهور» است و سیاست خارجی موفق، سیاست خارجی متوازن است (سخنرانی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری دوره سیزدهم، ۱۴/۵/۱۴۰۱).

بدین ترتیب، گاه به جای استراتژی شرق‌گرایی از تعبیر «توازن در روابط با دیگر کشورها» استفاده می‌شود. چنانکه خود رئیس دولت سیزدهم تصریح می‌کند: «حرف ما این است که در روابط خارجی باید توازن برقرار شود. در گذشته نگاه به غرب در عرصه سیاست خارجی سنگین شد و کشور معطل امید به دستان غربی‌ها شده بود.» (سخنرانی در نشست خبری سفر به استان گلستان، ۱۴/۱۲/۱۴۰۰)

به‌طور خلاصه، دولت سیزدهم با علم به ظرفیت‌های شرق و تغییرات پیش‌رو در ساختار نظام بین‌الملل، درصدد است با رویکردی چندوجهی روابطی استراتژیک، به‌خصوص با چین و روسیه برقرار کند تا بتواند در شرایط تحریمی موجود به نحوی از مشکلات اقتصادی و سیاسی ناشی از فشارهای ایالات متحده خارج شود و با اتخاذ سیاست‌های منطقی، استراتژی خنثی‌سازی تحریم‌ها را پیگیری کند.

بنابراین یکی از بارزترین نمونه‌های توجه دولت در استراتژی نگاه به شرق، سیاست نزدیک شدن به چین به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی نظام بین‌الملل است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاه چین در نظام بین‌الملل به درستی با اتخاذ سیاست‌های راهبردی به‌دنبال ارتقای روابط خود در بلندمدت با این قدرت بین‌المللی است. ابتکار کمر بند و جاده پکن، حدوداً ۱۴۰ کشور را درگیر می‌کند؛ بنابراین می‌تواند جغرافیا و پویایی اقتصاد و امنیت جهانی را بازتنظیم کند (فروغ، ۲۰۱۹: ۲۸۱-۲۷۵).

جمهوری اسلامی به‌طور عام و دولت رئیسی به‌طور خاص از خیزش چین به‌عنوان یک ابرقدرت استقبال کرده است. از لحاظ ژئوپلیتیکی، تحریم‌های غرب ایران را به سمت حرکت به سوی چین و بازیگران دیگری مانند هند و روسیه سوق داده است. از این رو، پس از به اجرا گذاشته شدن تحریم‌های دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸، ایران قرارداد راهبردی و جامع ۲۵ ساله با چین امضا کرد که آینده ژئواکونومیک ایران را عملاً به سمت کشورهای شرق آسیا هدایت می‌کند.

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نقطه کلیدی راهبردی نگاه به شرق دولت سیزدهم است. بدون شک این عضویت تأثیرات مناسبی بر روابط ایران با کشورهای مثل چین، روسیه و هند دارد و راه ورود به اقتصاد بین‌المللی را برای ایران آسان تر می‌کند. این سازمان ۲۱ درصد از ذخایر نفت و ۴۶ درصد از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد. عضویت ایران شروع مناسبی بر توسعه روابط اقتصادی گسترده با چین و روسیه و دیگر کشورهای شرق است (کوچک‌زاده، پایگاه اینترنتی بصیرت، ۱۴۰۱/۶/۷).

این رخداد توانست توازن در رویکرد سیاست خارجی ایران با کارگزاران اصلی نظام بین‌الملل

سیاست نگاه به شرق را در دستور کار قرار داده است. البته آغاز رسمی چنین سیاستی را باید به دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، به‌ویژه پس از سرخوردگی از غرب در جریان پرونده هسته‌ای و اعمال تحریم‌های نفتی، بانکی، بیمه‌ای و کشتی‌رانی توسط دولت باراک اوباما پس از سال ۲۰۰۹ نسبت داد (ثقفی‌عامری و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۰).

با این توضیح، یک برداشت از خرده‌گفتمان نگاه به شرق آن است که این سیاست در راستای متوازن‌سازی روابط خارجی می‌گنجد. بر این اساس، گفته می‌شود که سیاست نگاه به شرق برای موازنه‌سازی با سیاست نگاه به غرب است، یعنی در تقابل با آن نیست، اما مکمل آن است. در واقع، توازی میان سیاست نگاه به شرق، سیاست نگاه به غرب در گفتمان سیاست خارجی، اصلی‌ترین هدف مندرج در متن و بطن سیاست نگاه به شرق است.^{۲۳}

جمهوری اسلامی ایران در کلیت خود و دولت سیزدهم به‌عنوان یک باور استراتژیک با درک افول ایالات متحده و دگردیسی‌های پیش‌رو در ساختار نظام بین‌الملل، به خوبی به این امر واقف است که در صورتی می‌تواند سهم کنش‌گری خود را در آینده نظام بین‌الملل ارتقا دهد که بتواند از ظرفیت‌های نهفته در شرق به نحو مطلوب بهره‌برد و این موضوع نیز در اتخاذ روابط راهبردی با کشورهایی همچون چین و روسیه امکان‌پذیر خواهد بود.

۲۳. البته در نقطه مقابل، دیدگاهی وجود دارد که معتقد است ایجاد توازن میان سیاست نگاه به شرق و نگاه به غرب اساساً منتفی است. ۲ رویکرد در قالب این دیدگاه قابل تصور است. رویکرد اول، نگاه به شرق را مکمل سیاست نگاه به غرب می‌داند، یعنی همچنان که باید نگاه به غرب داشت، برخی معتقدند که باید این را تکمیل کرد و سیاست نگاه به شرق را هم در کنار آن داشت. رویکرد دوم، اصالت را اساساً با سیاست نگاه به شرق می‌دهد و معتقد است سیاست نگاه به غرب باید مکمل آن باشد که این برخلاف رویکرد اول است.

۸.۳. سیاست همسایگی (آسیامحوری)

یکی دیگر از جنبه‌های مهم در راهبرد خنثی‌سازی تحریم و در مسیر متوازن‌سازی روابط خارجی و در واقع، از ارکان چندجانبه‌گرایی اقتصادی و سیاسی، سیاست همسایگی است که می‌توان از آن به منطقه‌گرایی و آسیامحوری نیز تعبیر کرد. به عبارت دیگر، سیاست همسایگی دولت سیزدهم همانند سیاست نگاه به شرق در چارچوب رویکرد متوازن‌سازی روابط خارجی معنا می‌یابد که به نوبه خود در چارچوب راهبرد خنثی‌سازی تحریم از طریق دیپلماسی فعال اقتصادی قابل فهم می‌شود.

در واقع، نقطه اشتراک سیاست چندجانبه‌گرایی و رویکرد متوازن‌سازی در سیاست خارجی، سیاست همسایگی و منطقه‌گرایی است. این اهتمام، خصوصاً با توجه به تجربه ناموفق دولت یازدهم و دوازدهم در برقراری روابط پایدار با همسایگان به دلیل اولویت‌بخشی به قدرتهای غربی در تعریف مناسبات خارجی بیش از پیش نمود و بروز دارد. بدین ترتیب، «ارتباط با همسایگان» یا «سیاست همسایگی» استراتژی مهم دولت سیزدهم در راستای بی‌اثرسازی تحریم‌ها و یکی از ارکان توازن‌بخشی و تعادل‌بخشی به سیاست خارجی در کنار رکن استراتژی نگاه به شرق است که نهایتاً در راستای چندجانبه‌گرایی قابل فهم است. چنانکه وزیر خارجه این دولت بر این موضوع تأکید و تصریح دارد و معتقد است استفاده از ظرفیت همسایگان و نیز ظرفیت‌های قاره‌ای آسیا و گسترش تعاملات با همه بخش‌های جهان می‌تواند در خدمت بی‌اثر کردن تحریم‌ها قرار گیرد (امیرعبداللهیان، در گفت‌وگو با برنامه صف اول، ۱۴۰۱/۴/۳۰).

داشته باشد. همکاری بلندمدت ایران با چین می‌تواند گامی مهم در خنثی‌سازی تحریم‌های غرب، بالا بردن توان شبکه‌سازی ایران و بهبود تعاملات اقتصادی در سطوح فراملی داشته باشد. چین نیز با درک جایگاه منطقه‌ای، ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران، زمینه‌های همکاری‌های راهبردی را بین ۲ کشور فراهم ساخته است.

از دیگر مصادیق استراتژی نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، برقراری روابط راهبردی با کشور روسیه است. روسیه نیز در کنار چین یکی از کارگزاران مهم ساختار فعلی نظام بین‌الملل بوده که در تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش بسزایی داشته است. مواضع و رویکرد روسیه در سالیان اخیر زمینه ایجاد نوعی روابط عمیق با ایران را فراهم ساخته است. دولت سیزدهم نیز با درک ابزارهای قدرت روسیه به دنبال گسترش روابط خود با این کشور بوده، به نحوی که این کشور را شریک استراتژیک خود قلمداد می‌کند.

با توجه به اهرم‌های قدرت روسیه همچون قدرت‌های سیاسی، نظامی اقتصادی و نهادی در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دولت سیزدهم یکی از اهداف روابط خارجی خود را گسترش روابط استراتژیک بلندمدت با این کشور تعریف کرده است. جای تعجب نیست که حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه دولت سیزدهم، خواستار «جهش بزرگ» در روابط روسیه و ایران شد: «نگاه دولت جدید و پیام من و دولت ایران برای رهبران روسیه این است که یک جهش جدی و ملموس در روابط ۲ کشور ایجاد شود و امیدواریم در بازه زمانی کوتاه شاهد این جهش باشیم.» (امیرعبداللهیان، سخنرانی در جمع مدیران نهادهای ایرانی در مسکو، ۱۴۰۰/۷/۱۴).

نشان می‌دهد دولت‌های مختلف تاکنون به خوبی نتوانسته‌اند از فرصت دومین کشور پرمسایه جهان به خوبی استفاده کنند.

ایران ۷ همسایه مرزی و ۱۰ همسایه ساحلی دارد که می‌توانند فرصت‌های ممتازی برای ایجاد روابط دیپلماتیک در حوزه اقتصادی و فرهنگی فراهم آورند. ایران شاهراه حمل‌ونقل منطقه است و موقعیت سوق‌الجیشی کشور برای رونق بخشیدن به منطقه از طریق توسعه و تقویت ترانزیت و کریدورهای مختلف و خطوط انرژی به همسایگان مناسب است. حجت‌الاسلام رئیسی بر عدم استفاده بهینه از این فرصت‌ها طی دهه‌های گذشته سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأکید دارد:

جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی فعالیت‌ها و تلاش‌های بسیاری داشته و دارد، اما به شکل متوازن عمل نشده است. برای مثال، آن‌چنان که ارتباطات سیاسی کشور در عرصه بین‌الملل پیش‌برده شده، به ارتباطات و تعاملات اقتصادی و تجاری توجه نشده است و نوعی عقب‌ماندگی در این زمینه داریم. خطاب به کسانی که این بحث‌ها را مطرح می‌کنند می‌گویم که تاکنون متوازن عمل نشده و باید نوعی توازن در روابط خارجی کشور برقرار کنیم. چرا ما به همسایگان توجه نکردیم و چرا توجه نمی‌کنیم؟ ظرفیت عظیم تجاری و اقتصادی می‌تواند با ۱۵ همسایه کشور برقرار شود (سخنرانی در چهارمین گفت‌وگوی تلویزیونی زنده با مردم، ۱۴۰۰/۱۱/۵).

نحوه عملکرد دولت سیزدهم نشان داده که عناصر کلیدی مزبور در یک نظم به‌هم مرتبط و وابسته یک کل یکپارچه را تشکیل می‌دهند و به تعبیر وزیر امور خارجه دولت رئیسی: «سیاست همسایگی باید به یک منظومه منسجم در سیاست خارجی

بدین‌سان، همسایه‌محوری و آسیاگرایی در کنار سیاست نگاه به شرق، ۲ پایه اساسی راهبرد متوازن‌سازی روابط خارجی در راستای راهبرد کلان خنثی‌سازی تحریم‌ها قلمداد می‌شود. در دیدگاه رئیس دستگاه دیپلماسی دولت سیزدهم تصور دیپلماسی فعال اقتصادی قائم بر همکاری‌های مؤثر تجاری و اقتصادی با همسایگان است:

ما در شروع به کار دولت جدید اعلام کردیم در حضور نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی و افکار عمومی که حداقل ۴۰ درصد از سهم فعالیت دستگاه سیاست خارجی در دولت سیزدهم به دیپلماسی اقتصادی اختصاص پیدا می‌کند. این کمک کرد که حجم تبادل تجاری ما با همسایگان افزایش بالایی داشته باشد. ما در بعضی از حوزه‌ها در کمترین حالت ۳۶ درصد و در بیشترین حالت ۵۷۰ درصد افزایش حجم تبادل تجاری را داشتیم. در دیپلماسی فعال همراه با همسایگان با چند اتفاق مهم انجام شد، اولین اتفاق این‌که ارزآوری برای کشور از موضع همسایگان توانست نقش مهمی ایفا کند. دوم این‌که جمهوری اسلامی ایران ظرفیت ترانزیتی بالایی دارد و ما به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی که در آن قرار داریم، خط ترانزیت شمال به جنوب و شرق و غرب بسیار خوب توانست در این حوزه و در این مقطع فعال شود (امیرعبداللهیان، در گفت‌وگو با برنامه صف اول، ۱۴۰۱/۴/۳۰).

منطق سیاست همسایگی و منطقه‌گرایی دولت سیزدهم را باید در این نکته جست‌وجو کرد که ایران در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار دارد و این موقعیت کشورمان را به یکی از کانون‌های پرجاذبه دیپلماسی منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف تبدیل کرده است. مروری بر سیاست‌های پیشین در حوزه سیاست خارجی

او از رهگذر سفرهای منطقه‌ای حکایت می‌کند. برای نمونه، حصول توافقات کاربردی استراتژیک در خصوص همکاری‌های حوزه بالادستی نفت و گاز، اولویت‌بخشی به ترانزیت و همکاری‌های نیروگاهی و هدف‌گذاری برای ارتقای سطح تجارت ۲ کشور تا حد نصاب ۱۰ میلیارد دلار، از جمله دستاوردهای سیاست همسایگی حجت‌الاسلام رئیسی در سفر به روسیه بوده است.

آغاز جدی روند عضویت رسمی جمهوری اسلامی در سازمان همکاری شانگهای در سفر به تاجیکستان و انجام آن در بیست و دومین اجلاس سران شانگهای در شهریور سال ۱۴۰۱، امضای قرارداد سوآپ گازی با ترکمنستان و آذربایجان در سفر به ترکمنستان و نزدیک شدن ایران به تحقق «راهبرد اتصال» در منطقه و نیز آغاز روند همکاری‌های ۲ جانبه گسترده تجاری، امنیتی، سیاسی و فرهنگی با قطر در سفر او به دوحه، از جمله نشانه‌های نتیجه‌گرا بودن سفرهای استراتژیک رئیس دولت سیزدهم در راستای اجرای سیاست همسایگی قلمداد می‌شود.

۹.۲. راهبرد ضدتحریم

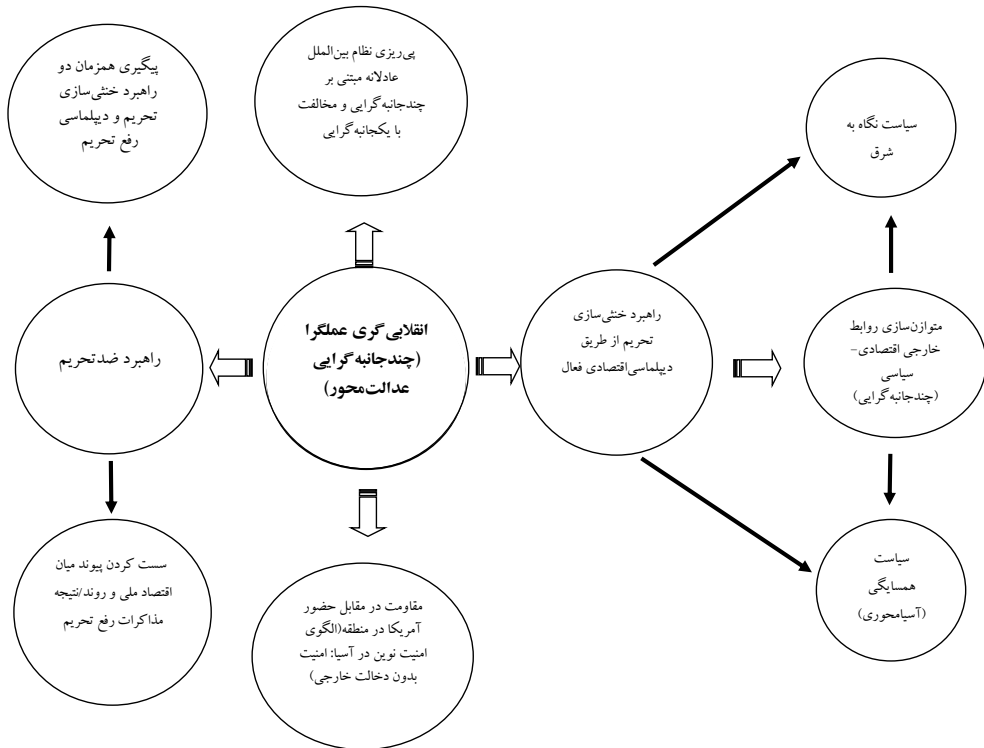
اتخاذ سیاست‌های ضدتحریم، یکی از عناصر مقوم، در مفصل‌بندی گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم قلمداد می‌شود. این عنصر گفتمانی به دلیل اهمیت برای اقتصاد ملی به یکی از راهبردهای ثابت در گفتمان مزبور تبدیل شده است. این راهبرد ۲ پایه اصلی تعیین‌کننده دارد: پایه اول هم‌زمانی و هم‌نشینی خنثی‌سازی و رفع تحریم است و پایه دوم سست کردن پیوند میان اقتصاد ملی (معیشت) و نتیجه مذاکرات رفع تحریم است. تقویت جنبه خنثی‌سازی در مقایسه با جنبه رفع تحریم در گفتمان دولت رئیسی واکنشی طبیعی به

تبدیل شود؛ به نحوی که همه همسایگان و جمهوری اسلامی ایران از توسعه و تحکیم روابط، مناسبات و اتخاذ این رویکرد نفع ببرند.» (امیرعبداللهیان، سخنرانی در اختتامیه همایش سفر و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه، ۱۴۰۰/۹/۲۴).

زمینه و زمانه ظهور خرده‌گفتمان سیاست همسایگی عبارت است از خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده از برجام و آغاز کمپین «فشار حداکثری» علیه ایران، به تحریک لابی آپیک و برخی کشورهای عربی (عربستان سعودی و امارات). براین اساس، تصمیم دولت سیزدهم بر این اصل راهبردی استوار شد که جمهوری اسلامی ایران باید پیش از آغاز مذاکره با قدرت‌های جهانی باید روابط با همسایگانش را تنظیم کند و با این پشتوانه به میز مذاکرات بازگردد. از این روست که آنچه به‌عنوان تفاوت سیاست همسایگی (منطقه) دولت سیزدهم با دولت روحانی ارزیابی می‌شود، رویکرد تبعی (طفیلی) دولت‌های یازدهم و دوازدهم به همسایگان و سیاست مستقل و اصالت‌بخشی به سیاست همسایگی در دولت سیزدهم است.

به دیگر سخن، از آنجا که اولویت سیاست خارجی دولت روحانی برقراری روابط با قدرت‌های جهانی، به‌ویژه اروپا و ایالات متحده در سایه موفقیت برجام بود، سیاست همسایگی و منطقه‌ای ماهیتی «تبعی» پیدا کرد، یعنی برقراری روابط با همسایگان تابعی از روابط ایران با قدرت‌های جهانی و تعیین وضعیت برجام بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۱/۶/۱۳).

در این راستا، بررسی سفرهای رئیس دولت سیزدهم در اولین سال از فعالیت خود، از هدمندی و نتیجه‌گرا بودن دیپلماسی اقتصادی



تصویر ۱. اینفوگرافی منظومه گفتمانی سیاست خارجی دولت سیزدهم

مذاکره، رعایت خطوط قرمز ایران و صیانت از حقوق مردم می‌شد و این جز با تغییر دیدگاه کلان مذاکره‌کنندگان در دولت جدید میسر نبود. پایه اول درواقع، بیانگر تلفیقی هوشمندانه از خنثی‌سازی و رفع تحریم‌هاست.

چنانکه رئیسی همچنین در مصاحبه با خبرنگار سی‌بی‌اس در آستانه سفر به نیویورک به‌منظور شرکت در هفتاد و هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل هم‌زمانی راهبرد خنثی‌سازی تحریم و تاکتیک رفع تحریم را تأکید کرد: «حتماً دنبال رفع مشکل تحریم هستیم، اما اگر آمریکایی‌ها تحریم‌ها

سیاست دولت قبلی در ترجیح سیاست رفع تحریم و شرطی‌سازی برنامه‌ریزی اقتصاد داخلی به نتیجه مذاکرات برجام بوده است.

بدین‌سان، مذاکرات رفع تحریم‌های هسته‌ای که در دولت قبل آغاز شد و به برجام منتهی شد، پرونده ناتمامی بود که به دولت سیزدهم رسید. باوجوداین، تداوم چنین شیوه‌ای از مذاکرات به‌شیوه قبل ممکن نبود و رفع تحریم‌ها علیه ایران با الگویی که در دولت قبل طراحی شده بود، ممکن به‌نظر نمی‌رسید. برجام باید موجب رفع کامل تحریم‌ها، مهار زیاده‌خواهی طرف‌های

را برنارند، ما هرگز متوقف نخواهیم شد. ما حرکت و پیشرفت کشور را بند به این قضیه نکردیم و قرار نیست بکنیم، اما ما ۲ چیز را دنبال می‌کنیم: ۱. «خنثی کردن تحریم‌ها» و ۲. «رفع تحریم‌ها» و در هر ۲ جهت دولت ما حرکت می‌کند.» (رئیس، مصاحبه با شبکه تلویزیونی CBS، ۱۴۰۰/۰۶/۲۸).

نکته کلیدی در هم‌زمانی و هم‌نشینی سیاست خنثی‌سازی و رفع تحریم، اولویت‌بخشی به خنثی‌سازی تحریم به مثابه یک راهبرد (از طریق همان دیپلماسی اقتصادی فعال با محوریت متوازن‌سازی روابط اقتصادی و سیاسی خارجی) می‌دهد و رفع تحریم را به مثابه اولویت دوم دنبال می‌کند.

به دیگر سخن، در گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم، «خنثی‌سازی تحریم» به مثابه یک راهبرد و «رفع تحریم» به مثابه یک تاکتیک یا شیوه مطرح می‌شود. چنانکه رئیسی در نشست خبری خود پس از سفر به استان گلستان در زمستان سال ۱۴۰۰ بر این رویکرد تصریح کرده است: «امید ما به معجزه در وین نیست. دنبال رفع تحریم‌ها هستیم و خواهیم بود، اما مهم‌تر از آن دنبال خنثی کردن تحریم‌ها هستیم.» (سخنرانی در نشست خبری سفر به استان گلستان، ۱۴۰۰/۱۲/۱۴).

پایه دوم مبین شرطی‌زدایی (در مقابل شرطی‌سازی) پویایی اقتصاد ملی و مشخصاً معیشت مردم به روابط خارجی و مشخصاً روند/نتیجه مذاکرات رفع تحریم هسته‌ای است. به دیگر سخن، این گفتمان بر آن است تا هرگونه پیوند ارگانیک میان اقتصاد ملی و معیشت عمومی را با روندها و رویه‌های مذاکرات هسته‌ای رفع تحریم سست کند و معیشت مردم را به مذاکرات رفع تحریم گره نزند. اظهارات حجت‌الاسلام رئیسی در اولین نشست

خبری پس از انتخابات سال ۱۴۰۰ معرف اهتمام دولت سیزدهم به قطع هرگونه ارتباط میان این ۲ مقوله است: «وضعیت اقتصادی و شرایط مردم را به این مذاکرات گره نخواهیم زد و اجازه نخواهیم داد به نحوی مذاکره برای مذاکره باشد. اجازه نخواهیم داد مذاکرات فرسایشی شکل بگیرد. هر نشستی باید همراه با نتیجه باشد.» (سخنرانی در اولین نشست خبری به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب، ۱۴۰۰/۳/۳۱).

حساسیت رئیس دولت سیزدهم به پیوند زدندگی روزمره مردم به نتیجه مذاکرات به‌عنوان یک «عامل بیرونی» به‌عنوان یک خط فکر اصلی و گزاره راهبردی در سخنان دیگر او تکرار شده است: «ما زدندگی مردم را به هیچ عامل بیرونی گره نخواهیم زد و مجدانه پیگیر رفع مشکلات کشور و مردم خواهیم بود.» (رئیس، سخنرانی در هفدهمین اجلاس روز جهانی مسجد، ۱۴۰۱/۵/۳۰).

به‌این ترتیب، به موازاتی که مقابله با تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده به شکل جدی در گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم منعکس شده و مقاومت فعال به معنای اقدام قدرتمند و عزتمند در جهت حمایت از منافع ملت ایران در دستورکار دولت سیزدهم در دستورکار قرار گرفته، توسل به مذاکره صرفاً به‌عنوان یک ابزار (و نه به‌عنوان یک هدف راهبردی) سیاست خارجی در جهت استیفای منافع ملت تعقیب می‌شود و از این رو قرار نیست در گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم معیشت مردم به مذاکرات و نتایج آن پیوند زده شود (گوهری‌مقدم، ۱۴۰۰/۹/۸).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

سیاست خارجی دولت سیزدهم اجزا و عناصر معنادار در هم‌تنیده‌ای دارد که یک نظام معنایی خاص و واحد را بازتولید می‌کنند. در چنین نظم

عنصر اساسی متوازن‌سازی روابط خارجی خود موجود ۲ مؤلفه اساسی دیگر در گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم، یعنی استراتژی نگاه به شرق و سیاست همسایگی (آسیامحوری) است که هر کدام به نوبه خود به ترتیب، معلول بازتوزیع قدرت و انتقال قدرت جهانی از غرب به شرق از یک‌سو و تأثیر سیاست همسایگی بر خنثی‌سازی تحریم‌ها از سوی دیگر است.

دومین دقیقه متأثر از نقطه معنابخش «انقلابی‌گری عمل‌گر» صورت‌بندی راهبرد ضدتحریم است که بر ۲ پایه استوار است: پایه اول، عبارت است از هم‌زمانی و درزمانی پیگیری راهبرد خنثی‌سازی تحریم و دیپلماسی رفع تحریم و پایه دوم عبارت است از سست کردن و شکستن هرگونه پیوند مستحکم میان پویایی روندهای اقتصاد ملی و معیشت مردم با روند/نتیجه مذاکرات رفع.

پایه دوم، خود عاملی برای مذاکره مذاکره‌کنندگان از موضع قدرت است. بدین ترتیب، اولاً: خنثی‌سازی تحریم بر سیاست رفع آن برتری می‌یابد و ثانیاً: در پیگیری سیاست رفع تحریم نیز پیامی که دال بر وابستگی معیشت عمومی بر نتیجه مذاکرات رفع تحریم باشد، به طرف مقابل مخابره نمی‌شود.

درنهایت، تلاش برای طرح و تثبیت ایده‌هایی مبنی بر پی‌ریزی نظام بین‌الملل عادلانه مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی غرب‌محور و نیز طرح الگوی امنیت نوین در آسیا (امنیت بدون دخالت خارجی) ۲ عنصر تعیین‌کننده دیگر متأثر از انقلابی‌گری عمل‌گرا به مثابه دال مرکزی در گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم قلمداد شود.

و نظامی، برخلاف تصور اولیه حاکم، انقلابی‌گری می‌تواند هم‌نشین و قرین عمل‌گرایی شود و آمیزه‌ای از انقلابی‌گری عمل‌گرا را سنتز کند که هم سویه انقلابی‌گری یا عدالت‌محوری و هم جنبه‌هایی آشکار از عملگرایی یا چندجانبه‌گرایی دارد.

این سنتز، ظرفیت عظیمی برای پای‌بندی بر اصول انقلاب اسلامی در عین اتخاذ رویه‌های عملگراییانه در سیاست خارجی دارد و از این رو، می‌توان در جایگاه برتر نقطه کانونی جایابی شود. از این منظر هم می‌توان رویکرد و روحیه مقاومت در برابر ظلم و استکبار را حفظ کرد و هم در مقابل یک‌جانبه‌گرایی قدرت هژمون ایستاد. هم برجام را به‌عنوان یک سند ملی پذیرفت و به مذاکرات احیای آن پای‌بند ماند و هم دستور کار مذاکرات را به نفع رفع همه تحریم‌های مرتبط با پرونده هسته‌ای و حصول قرارداد قوی حافظ اقتدار و غرور ملی تغییر داد.

همچنین می‌توان از اخراج آمریکایی‌ها به‌عنوان نیروی مداخله‌گر سخن گفت و دفاع کرد و هم طرحی نو در خصوص الگوی امنیت منطقه‌ای با جلب اعتماد و هم‌افزایی دولت‌های منطقه بدون مداخله قدرت‌های خارجی در انداخت.

انقلابی‌گری عمل‌گرا به مثابه نقطه کانونی این منظومه گفتمانی به عناصر و دقایق پیرامونی خود جهت می‌دهد و معنا می‌بخشد. اصلی‌ترین دقیقه متأثر از چنین کانونی، عبارت است از راهبرد خنثی‌سازی تحریم از طریق دیپلماسی اقتصادی فعال که خود به‌عنوان یک عنصر میان نقطه کانونی و دقیقه مهم دیگری تحت عنوان متوازن‌سازی روابط اقتصادی و سیاسی خارجی یا همان چندجانبه‌گرایی به ایفای نقش می‌پردازد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

همه اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده به تنهایی این مقاله را انجام داده است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده، این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع فارسی

- مراسم تحلیف ریاست جمهوری دوره سیزدهم.
- تاجیک، م. ر. (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ثقفی عامری، ن. و احدی، ا. (۱۳۸۷). *ایران و سیاست نگاه به شرق*. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- منوچهری، ع.، تاجیک، م. ر. (۱۳۹۰). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*. تهران: انتشارات سمت.
- ظریف، م. ج. و سجادیپور، م. ک. و مولایی، ع. (۱۳۹۵). *دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پساغربی*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- فرکلاف، ن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان* [ترجمه ف. شایسته پیران]. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- رضایی، ع. ر. (۱۴۰۰). *سیاست خارجی مطلوب دولت ابراهیم رئیسی؛ الگوی نظم عدالت‌محور مبتنی بر استراتژی موازنه نرم*. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۱۷(۵)، ۱-۲۳.
- امیرعبداللهیان، ح. (۱۴۰۰). *سخنرانی دکتر امیرعبداللهیان در روز پایانی گردهمایی رؤسای نمایندگی‌های ایران در کشورهای همسایه*.
- امیرعبداللهیان، ح. (۱۴۰۰). *امیر عبداللهیان: دولت سیزدهم آماده چشم جدی در روابط با روسیه است*.
- امیرعبداللهیان، ح. (۱۴۰۰). *گفت‌وگو با دبیر اقتصاد. روزنامه دنیای اقتصاد*.
- امیرعبداللهیان، ح. (۱۴۰۱). *گفت‌وگو با برنامه صف اول شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران*.
- امیرعبداللهیان، ح. (۱۴۰۱). *گزارش دستاوردهای یک‌ساله دولت سیزدهم در دهمین اجلاس مجلس خبرگان رهبری*.
- جمشیدی، م. (۱۴۰۱). *چندجانبه‌گرایی اقتصادی دولت جواب داده است*. خبرگزاری ایسنا.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۴۰۱). *دولت رئیسی، سیاست خارجی منطقه‌ای را به‌طور مستقل تعریف کرد*.
- خبرگزاری دانشجو. (۱۴۰۰). *سیاست خارجی رئیسی از وصول چک برجام تا تعامل سازنده با جهان*.
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری. (۱۴۰۰). *سخنرانی در*
- رئیس، س. ا. (۱۴۰۰). *سخنرانی در اولین نشست خبری به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب*.
- رئیس، س. ا. (۱۴۰۰). *سخنرانی در چهارمین گفت‌وگوی تلویزیونی زنده با مردم*.
- رئیس، س. ا. (۱۴۰۱). *سخنان در هجدهمین اجلاس روز جهانی مسجد*.
- رئیس، س. ا. (۱۴۰۱). *سخنرانی در بیست و دومین اجلاس سران شانگهای*.
- رئیس، س. ا. (۱۴۰۱). *مصاحبه با شبکه CBS آمریکا در آستانه سفر به نیویورک*.
- رئیس، س. ا. (۱۴۰۱). *سخنرانی در هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد*.
- رئیس، س. ا. (۱۴۰۱). *سخنان در نشست با جمعی از مدیران ارشد رسانه‌های آمریکایی در حاشیه هفتاد و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل*.
- رئیس، س. ا. (۱۴۰۰). *سخنان در نشست خبری سفر به استان گلستان*.
- صفری، م. (۱۴۰۱). *تشریح دستاوردهای یک‌ساله دولت سیزدهم به مناسبت فرارسیدن هفته دولت*. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت.
- سایت بصیرت. (۱۴۰۱). *دستاوردها و راهبردهای دولت سیزدهم در عرصه سیاست خارجی در پرتو مقایسه با دولت روحانی*.
- گوهری‌مقدم، ا. (۱۴۰۰). *مؤلفه‌های گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم*.

References

- Amirabdollahian, H. (2021). [Dr. Amir Abdollahian's speech on the last day of the meeting of heads of Iranian delegations in neighboring countries (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Amirabdollahian, H. (2021). [Amir Abdullahian: The 13th government is ready to make a serious leap in relations with Russia (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Amirabdollahian, H. (2021). [A conversation with Donya -e Eghtesad newspaper (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Amirabdollahian, H. (2022). [A conversation with the first-line program of the first TV channel of the Islamic Republic of Iran (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Amirabdollahian, H. (2022). [Amir Abdollahian's description of the President's government's foreign relations: "Very promising"(Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Basirat. (2022). [Achievements and strategies of the 13th government in the field of foreign policy in the light of comparison with the Rouhani government (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Dehghani Firozabadi, S. J. (2022). [The presidential government defined the regional foreign policy independently (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Jamshidi, M. (2022). [The government's economic multilateralism has worked (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Student News Network. (2021). [The president's foreign policy, from receiving the Barjam check to constructive interaction with the world (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Fairclough, N. (2000). *Critical discourse analysis* [F. Shayešte Piran, Persian Trans.]. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Media Studies and Research Center. [\[Link\]](#)
- Mohammadbagher, F. (2021). *Raisi's foreign policy: Pragmatic revolutionism and the Iranian pivot to Asia*. Hamburg: German Institute for Global and Area Studies (GIGA). [\[Link\]](#)
- Mohammadbagher, F. (2021). Iranian strategic culture and 'ways of war': The role of local concepts and narratives of 'game' and 'play. *International Journal of Persian Literature*, 6 (1), 120–142. [\[DOI:10.5325/intejperslite.6.0120\]](#)
- Mohammadbagher, F. (2021). Geographic Agency: Iran as a 'civilizational crossroads' In F. schneider (Ed.), *Global perspectives on China's belt and road initiative: Asserting agency through regional connectivity* (pp. 291-314). Amsterdam: Amsterdam University Press. [\[DOI:10.2307/j.ctv1dc9k7j.15\]](#)
- Mohammadbagher, F. (2018). The new politics of space: Asia's geopolitics is remapping the global geography. Research Division Asia/BCAS. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Manoochehri, A., & Tajik, M. R. (2011). *Approach and method in political science* (Persian)]. Tehran: SAMT. [\[Link\]](#)
- Forough, M. (2019). Intervention with Chinese characteristics: The Belt and road initiative reconfiguring (Afro-) Eurasian geo-economics. *Conflict, Security and Development*, 19(3), 275-281. [\[DOI:10.1080/14678802.2019.1608023\]](#)
- Ghohari Moghadam, A. (2021). [The components of the foreign policy discourse of the 13th government (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Brown, G., & Yule, G. (1993). *Discourse analysis*. London: Cambridge University Press.
- Stavrakakis, Y., Howarth, D. R., & Norval, A. (2000). *Discourse theory and political analysis: Identities and social change*. Manchester: Manchester University press. [\[Link\]](#)
- Tajik, M. R. (2000). *Speech and speech analysis* (Persian)]. Tehran: Farhang-e Gofte-man. [\[Link\]](#)
- Laclau, E., & Mouffe, C. (2014). *Hegemony and socialist strategy: Toward a radical democratic politics*. London: Verso. [\[Link\]](#)
- Mohamadnia, M. (2012). Discourse and identity in Iran's foreign policy. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 3(3), 29-64. [\[Link\]](#)
- Mohseni, P., & Kalout, H. (2017). Iran's axis of resistance rises: How it's forging a new Middle East foreign affairs. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Nye, J. S. (2011). Understanding 21st century power shifts. *The European Financial Review*. Retrieved from: [\[Link\]](#)

- Official website of the President of the Islamic Republic of Iran. (2021). [Swearing in the presidential inauguration ceremony in the Islamic Council (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Raisi, E. (2021). [Raisi's first press conference as president-elect (Persian), Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Raisi, E. (2021). [President's speech at the 22nd Shanghai Cooperation Organization summit (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Raisi, E. (2022). [President's speech at the 77th session of the United Nations General Assembly (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Raisi, E. (2022). [Speeches at the 18th World Mosque Day (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Raisi, E. (2022). [Interview with the American CBS network on the eve of the trip to New York (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Raisi, E. (2022). [Speeches in a meeting with a group of senior American media executives on the sidelines of the 77th United Nations General Assembly (Persian)].
- Raisi, E. (2021). [Speeches at the press conference of the trip to Golestan province (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Raisi, E. (2022). [Speech in the fourth live TV interview with the people (Persian)].
- Rezaei, A. R. (2021). [Desirable foreign policy of Ebrahim Raisi government; Justice-oriented order model based on soft balance strategy (Persian)]. *Journal of Political Strategy*, 5(17), 1-23. [\[Link\]](#)
- Safari, M. (2022). [Explaining the one-year achievements of the 13th government on the occasion of the government week (Persian)]. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Salehi-Isfahani, D. (2021). The dilemma of Iran's resistance economy: Imperviousness to sanctions will require growth. Retrieved from: [\[Link\]](#)
- Stubbs, M. (1983). *Discourse analysis: The sociolinguistic analysis of natural language*. Chicago: University of Chicago Press. [\[Link\]](#)
- Saghafi Ameri, N., & Ahadi, A. (2008). [*Iran and the policy of looking to the east* (Persian)]. Tehran: Center for Strategic Research. [\[Link\]](#)
- Wodak, R., & Meyer, M. (2009). Critical discourse analysis: History, agenda and methodology. *Methods of Critical Discourse Analysis*, 2, 1-33. [\[Link\]](#)
- Zarif, M. J., Sajadpour, M. K., & Molaei, E. (2016). [*Transition in international of post-wesren world* (Persian)]. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [\[Link\]](#)